

پیام سندیکا

شماره ۴۳

سال ششم / دی ۱۳۹۴

نشریه سندیکاهای کارگری ایران

پیام سندیکا
پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

چاپی و الکترونیکی
فارسی و انگلیسی

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

برای داشتن دستمزدی که بتوان با ۸

ساعت کار

خانواده ۴ نفری را اداره کرد

رنجبران متحد شویم!



سندیکای کارگران
نقاش و تزئینات

تأسیس: ۱۳۴۸



اتحادیه
نیروی کار
پروژه ای

سپریام

نامه ای به ریس دلت

انتخابات و سندیکاهای کارگری

احضار مسوولان سندیکای کارگران شرکت واحد

درجستجوی مراد

کزارشای خبرنگاران پیام سندیکا

سرمایه داری فاقد روحیه انسان دوستی است

کارگران صنعت نساجی به سندیکا احتیاج دارند

مصالحه سایت اندیشه نو با مازیار گیلانی نزد

آغاز حمله به دستاوردهای زحمتکشان

در محله کارگری شهرگ پرنده خبر

تشکیل طبقات اجتماعی به زبان ساده بخش سوم

هزینه عظیم مالی دولت "داعش" چگونه تأمین میشود

افزایش مالیات ثروتمندان، مشکل کارگران نیست

یادی از کوشنده تا به آخر استوار جعفر نجاریان

نقش زنان و سنتی که بر آنان روا داشته می شود.

اعطای بالاترین نشان تحقیقات کاخ سفید به مونا جراحی

زنان ایرانی تفکیک جنسیتی نوشته و نانوشته را خط می زند

این هلا است

پیام سندیکا

ماهnamه خبری - تحلیلی کارگری



نشریه درونی سندیکاهای کارگری ایران

کاری از کارگران سندیکایی ایران

بر اساس منشور جهانی سندیکاهای کارگری

در راستای تشكل و آگاهی برای کارگران

از مهر ۱۳۹۰ / چاپ تهران (جایی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد انبوسوانی

سندیکای کارگران نقاش و تریشان

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران پیشگر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

پیام سندیکا

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

sfelezkar1961@gmail.com

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

سر پیام

حمله به دستاوردهای رحمتکشان ایران با تصویب برجام و قولهایی که به سرمایه داری خارجی داده شده ، آغاز گشته است. بیکاری روزافزون ، تعطیلی کارخانه ها، عقب افتادن حقوق کارگران برای ماههای متمادی، تهدید کارگران توسط مقامات قضایی و احصار سازماندهندگان کارگران اولین قدم هایی بود که برداشته شد. در قدم بعدی باید دستاوردهای کارگران را از میان برداشت. معاون اول رئیس جمهور عیدی بازنشته های را «بچه بازی » می خواند. وزیر مسکن اعتراض به گرانی را تفکر سوسیالیستی می دارد که باید مجلس این بساط را جمع کند. این حرف ها به این معنی است که هر کسی گفت چرا گران می کنید جوابش بگیر و بند باشد. این اظهار نظرها را در کنار فرمایشات وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بگذارید که گفته اند: « برای سال آینده باید مزدی را تعیین کنیم که به کارفرما فشار وارد نشود.»

علاوه بر این تبصره ۳۳ لایحه برنامه ششم توسعه هم را فراموش نکنیم که پیشنهاد کرده است: « حداقل دستمزد ماهانه در ایران به دو سوم حداقل کنونی کاهش یابد. یعنی ماهی ۲۵۰ هزار تومان.»

امروز مفایای قدرت و ثروت قدم بعدی را نابودی فیزیکی و معنوی سندیکاهای کارگری به عنوان تنها نماینده واقعی و مدافع حقوق کارگران خواستار است. تفکری که سهم عادلانه از ثروت این کشور را برای عموم مردم ایران می خواهد باید نابود شود. چرا مسؤولان سندیکای کارگران شرکت واحد در دادگاه انقلاب باید محاکمه شوند؟ مگر آنها چه گفته و چه می خواهند؟ آیا اعتراض به گرانی موجود و خالی تر شدن سفره کارگران جوابش دادگاه انقلاب است؟ آیا خواستار شدن بیمه تامین اجتماعی در حد نام و شخصیت کارگران و قطع دست در زدن از اندوخته های ما در تامین اجتماعی سوسیالیستی است؟ آیا ایستادن در مقابل پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه که دستمزدهای سال آینده را ۲۵۰ هزار تومان تعیین کند مارکسیستی است؟ آیا

خواستن تصویب دستمزدی که یک خانواده ۴ نفره کارگری را اداره کند نظریه کمونیستی است؟ پس به شما بگوییم که ۶۵ میلیون ایرانی خواهان این نظریه هستند و نمی توان همه این ها را نابود کرد.

دوستان کارگر، سندیکاهای کارگری برای دستمزدی عادلانه، عقب نیافتادن حقوق کارگران حتا برای یک روز، رفع بیکاری، دستمزدی برابر در مقابل کار مساوی برای زنان، آموزش و پرورش رایگان، خدمات درمانی رایگان، ورزش رایگان، که همگی در قانون اساسی تاکید شده است تلاش می کند. رنجبران ایرانی حق خود را از ثروت ملی می خواهند و با کسی تعارف هم ندارند. بگذار بگویند افکار ما سوسیالیستی است.

دوستان کارگر، سرمایه داری برای دزدیدن دسترنج کار ما و سود هرچه بیشتر خواستار گرسنگی دادن به خانواده های رنجبران ایرانی است. سرمایه داری برای این منظور متعدد شده است و از هر امکانی برای تفرقه انداختن در میان کارگران استفاده می کند. ما نیز متعدد شویم و هر ندای تفرقه افکانه در میان صفوف کارگران را از خود دور کنیم.

هوشیار باشیم و متحد.

تحریریه پیام سندیکا

«سندیکاهای کارگری برای دستمزدی که با ۸ ساعت کار بتوان یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، می کوشند.»

«سندیکاهای کارگری برای تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چندماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، می کوشند.»

«سندیکاهای کارگری برای آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان ، ورزش رایگان و همگانی، طبق قانون اساسی می کوشند.»

نامه ای به رئیس دولت

دولت که ظاهرا کلید همه‌ی قفل‌ها یا مشکلات را در دستان خود دارد، راه حل بیکاری جوانان را کشف کرده و آن را "بر اساس پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی، در تبصره ۳۳ لایحه برنامه ششم توسعه" این گونه بیان نموده است: "به منظور ترغیب کارفرمایان و "کارآفرینان" بخش خصوصی و تعاونی به جذب نیروی کار بیکار جوان، با هدف کمک به کاهش هزینه نیروی کار بنگاه‌های اقتصادی، دولت مجاز است اقدامات زیر را طی سال‌های برنامه اجرا نموده و منابع اعتباری مورد نیاز را در بودجه سنواتی لحاظ نماید، مستثنی نمودن از شمول قوانین کار و تامین اجتماعی برای دانش آموختگان دانشگاهی گروه سنی زیر ۲۹ سال... تعیین حداقل دستمزد برای کارگران جدید... به میزان ۷۵ درصد حداقل مزد مصوبه شورای عالی کار حداکثر تا دو سال با هدف انگیزه بیشتر برای به کارگیری نیروی کار جدید".

آقایان فراموش کرده‌اند که دولت مجاز به انجام هر کاری نیست. تنها مجاز به انجام برنامه‌هایی است که قانون اساسی را دور نزدیک باشد و در چارچوب آن باشد. از سوی دیگر آیا این سازمان مدیریت و برنامه ریزی آنقدر با دانش اجتماعی بیگانه است که نمی‌داند تعاونی‌ها چنانچه به استخدام نیروی کار بپردازند دیگر تعاونی نیستند و می‌شوند شرکت‌های سهامی خاص؟! البته شاید حق با این جماعت باشد، زیرا وقتی در حرف ادعا می‌کنند: "حضرت علی فرموده عرق کارگر خشک نشده مزدش را بپردازید"، ولی در عمل حقوق او را پس از ماه‌ها تأخیر نمی‌پردازند؛ و بنام و زیر پرچم باور همان حضرت؛ حقوقشان را بالا می‌کشند آن هم شرکت‌های نیمه دولتی که روزی روزگاری کارشان دفاع از مملکت بوده. از دلالها که فعلاً صاحب مملکت شده‌اند نمی‌شود انتظار دیگری داشت. بهر حال جناب رئیس جمهور در عمل نشان دادند کلید همه‌ی قفل‌هایی را دارند، که در خدمت مطلق سرمایه داری مالی یا همان دلالهای کهن و پوسیده‌ی بازارند؛ نه مردم ایران.

البته در دست دیگر این جناب قفل های بدون کلیدی قرار دارد که هر چندی یکی از آنها را بر دستان کارگران و همه ای حقوق بگیران ایران می زندن. نمونه زنده، همین مصوبه سازمان مدیریت و برنامه ریزی است که به هیچ وجه ضروری نمی دانند به بررسی عوارض فاجعه بار این پیشنهادشان بیندیشند. از نظر این جماعت نوکیسه و نولیبرال (سازمان مدیریت و برنامه ریزی) یک جوان دانش آموخته که پس از ۱۸ یا بالای ۲۰ سال آموزش و آموزش دانشگاهی دیده، اینک باید به استخدام دلالانی در بیاید که اکثر آن ها یا تازه چوب چوپانی را زمین گذاشته اند و تنها به دلیل یک رابطه صاحب شرکت های منپاوری (دلالی کار) هستند و روزانه صاحب میلیاردها می شوند، در حالی که از کار فنی هیچ نمی دانند یا آقا زاده های دانش آموخته ای هستند که با چراغ آمده اند تا هر چه بیشتر منابع ملی را غارت کنند. آنهم با پرداخت حقوقی معادل ۷۵ درصد، حداقل حقوق که یک کارگر بدون تخصص و کم سواد باید دریافت کند، یعنی با مبلغ ۵۳۴۰۰۰ تومان استخدام شوند!!

جناب صاحب "کلید همه ای قفل ها" با این رقم در کدام شهر عقب مانده ی ایران می توان یک خانه اجاره کرد؟ که در آن جا، کار هم وجود داشته باشد؟! هزینه های خورد و خوراک و رفت و آمد و بهداشت و... چگونه پرداخت شود؟ جناب رئیس جمهور، شما که به پیشنهاد مشاور ارشدستان نیلی مناسبات اقتصادی نولیبرالی را کاربردی می کنید بر اساس همین مناسبات که پذیرفته اید؛ دولت تان حق ندارد در امور بازار و هم چنین در بازار کار دخالت کند، براساس این مناسبات؛ نرخ ها باید توسط قانون خود به خودی بازار یعنی عرضه و تقاضا تعیین گردد. ولی در زمان ریاست شما، پایی محکم شرع را هم به بازار کار کشانده اید. چرا؟ آیا می خواهید با تهدید شلاق و زندان کارگران را وادار به سکوتی بکنید که حتا اگر حقوقشان را هم پرداخت نکردن؛ حق اعتراض نداشته باشند؟ زیرا اعتراض شان با شلاق و زندان پاسخ داده خواهد شد؟ ولی کسی از "کار آفرینان" شما حتا نباید بپرسند، چرا حقوق کارگران را پرداخت نمی کنند!!! باز جای شکرش باقی است که شما

ابوذر گونه عمل می کنید ولی بیچاره کارگران و حقوق بگیران که می باید چه بلاهایی را از این بیشتر، تحمل می کردند!

عالی جناب؛ بفرمایید بر فرض محال جوان حقوق بگیر توانست سربار خانواده اش باقی بماند، آیا با این مبلغ می تواند زندگی خانوادگی؛ داشته باشد و فرزند؟! که شما با این همه آب و تاب مرتب آن را تبلیغ می کنید؟! آیا مشاور ارشد شما و مدیران سازمان مدیریت و برنامه ریزی تان به اطلاع شما رسانده اند که هم مناسبات اقتصادی تعديل ساختاری و خصوصی سازی و هم این طرح جدیدتان همگی برخلاف قانون اساسی کشور است؟ یعنی همان قانونی که به شما مشروعیت قانونی داده است؟ عالی جناب؛ آیا مشاوران شما می دانند در قانون اساسی حق اشتغال وجود دارد؟ همان حقی که دولت های پس از جنگ و شما با اقتصاد نولیبرالی (امپریالیستی) تولید کنندگان نعمات مادی کشور را از آن محروم کرده اید. آیا مشاوران شما می دانند هیچ نهاد و دولتی حق ندارد خارج از چارچوب قانون اساسی مصوبه ای را تنظیم کند؟ و کلیه ای مصوبات و مقررات این چنانی مشروعیت قانونی ندارند. و پیشنهاد دهندهای آن، روزی از نظر قانون قابل تعقیب هستند؟ آیا این نهادهای نولیبرالیستی می دانند قانون کار از دولت رفسنجانی تا به امروز، که کارشناسان شما پیشنهاد حذف کامل آن را می دهند؛ بر اساس مواد قانون اساسی کشور تنظیم شده است. آیا آقایان با خبر هستند بدون اجازه مجلس موسسان حق تعديل قانون اساسی را ندارند؟

بگذریم؛ چون در دموکراسی مراد و مریدی جایی برای اظهار نظر عوام وجود ندارد. (البته این باور شماست. ولی سرشت نگرش ما، باور دارد که کارگران فنی از خواص و نخبگان شما، دقیق تر و سنجیده تر برنامه ریزی می کنند.) از این رو به مبلغ حقوق پیشنهادی تان بر می گردیم. آیا این مبلغ غذای روزانه و بهداشت و آموزش نسل آینده را تامین می کند؟ یا با آن تنها می توان با شیوه کارتمن خوابی در زیر پل های شهرها، اگر شهرداری ها اجازه دهند،

روزگار گذراند. در همان قانون اساسی مهجور و طرد شده به وسیله مشاوران دولت‌های پس از جنگ، همه‌ی این حقوق را پیش‌بینی کرده بودند و دولت‌های ذکر شده با هدف از میان بر داشتن هر قانون مردمی در قانون اساسی، نولیبرالی را با همیاری بانک جهانی در ایران کاربردی نمودند.

در ضمن سازمان ذکر شده شما در بیانیه اش حرف از شورای عالی کار زده است، اصلاح می‌کنیم شورای دولتی تعیین حداقل حقوق سالانه، آنهم بدون حضور کارگران واقعی ایران. معرفی چند حقوق بگیر به قربان گوی بازمانده از مرده ریگ ساختار شاهی را، کارگر معرفی کردن نابجاست.

آیا کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بقیه هزینه‌های اجتماعی را کاهش داده اند که اینک به سوی کاهش هزینه نیروی کار آمده اند؟ یا درست خلاف آمارهای غیرواقعی بانک مرکزی همه‌ی کالا‌ها نسبت به سال قبل ۱۰٪ افزایش داشته اند و تنها هزینه کار هر روز نسبت به گذشته ارزان تر شده است. دشمنی علی و آشکار نسبت به تولیدکنندگان اجتماعی سرشت دولت‌های بعد از جنگ را عیان کرده است. دولت‌هایی پشتیبان سرمایه داری، آن‌هم از نوع دلالی.

یادآوری کارگران به آقایان

اگرچه برخی از آقایان تصور می‌کنند، آنها تافته‌ای جدا باقته و مصون از هر خطری هستند. باید خاطر نشان کنیم دولت‌های سرکوبگری چون اندونزی که با کشتار یک میلیون کمونیست تصور می‌کرد برای همیشه خرس از پل گذشته و ریشه همه‌ی مخالفان را کنده است و با خیال راحت مناسبات تعديل ساختاری و خصوصی سازی پیشنهادی صندوق بین المللی پول را در اندونزی کاربردی کرد؛ پس از چند دهه، در باتلاق دیکتاتوری خود و مناسبات اقتصادی نولیبرالی خفه شد و سوهارتلوی جانی به رغم حمایت همه

جانبه امریکا به زبانه دان تاریخ پیوست و در تاریخ جهان، نامش در کنار آدم کشان فاشیست به یادگار باقی ماند.

یادآوری دوم

تعدیل ساختاری و خصوصی سازی در برزیل

دیکتاتوری ژنرال ها در برزیل هم کمتر از نوع اندونزیابی آن نبود. چکمه پوشان امریکایی سالها با وحشیانه ترین شیوه ها، کمونیست ها را تعقیب کردند و کشتنند. آن ها هم مانند همه ای سرسپرده‌گان گوش به فرمان، پیشنهاد صندوق بین المللی پول را یعنی نولیبرالی را در برزیل پیاده کردند. در نهایت فاجعه رخ داد، بدھکارتین کشور جهان برزیل شد. ژنرالهای سرسپرده تنها کاری که از دستشان برآمد زمین گذاردن سیاست و تحويل کشور به مردم بود. کمونیست ها طی ۸ سال برزیل بدھکار را؛ به یکی از ۲۰ کشور صنعتی جهان تبدیل نمودند، بدھکاری ها را پرداختند و برخلاف دولت روحانی و مشاوران گوش به فرمان صندوق بین المللی پول او، حداقل حقوق را کم نکردند بلکه آن را دو برابر کردند و بدین گونه اقتصاد داخلی را فعال نمودند، هم از نیروی کار حمایت کردند و هم از سرمایه های ملی، و در نتیجه رونق اقتصادی جای رکود و بحران اجتماعی را گرفت. این سناریو در شیلی هم تکرار شد. پس گامان این مناسبات واپس گرا، دیکتاتورهای عرب زبان بودند که تصور می کردند با پذیرفتن این مناسبات حکومت دیکتاتوری را تا ابد تضمین کرده اند، ولی؛ یکی پس از دیگری به گور سپرده شدند. با وجود این همه تجربیات تاریخی باز در ایران و در دولت های پس از جنگ مرغ تنها یک پا دارد و آن یک پا هم، در مناسبات پیشنهادی بانک جهانی قرار دارد.

عالی جناب؛ راهی که این مشاوران سرسپرده ای صندوق بین المللی پول پیشنهاد داده اند همان راه های رفته پینوشه و سوهارتو و ژنرالهای آرژانتین و

برزیل است که تنها برآیندش و رشکستگی و سقوط دولت هایشان بوده است. مدت ها است که این دولت های داوطلب مناسبات نولیبرالیستی به زبانه دان تاریخ پیوسته اند، درس های تاریخ را مورد توجه قرار دهید و جدی بگیرید.

اتحادیه نیروی کار پروره ای ایران

ناصر آقاجری

۹۴ آذر ماه ۲۸

« سندیکای کارگران فلزکار مکانیک هم‌صدا با این دوستان از نظریات اتحادیه نیروی کار پروره ای ایران استقبال کرده و این نظریات را تایید و اعتراض جدی خود را در مورد تبصره ۳۳ لایحه برنامه توسعه اعلام می‌کند»

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

نشریه پیام سندیکا، بازگو کننده اخبار و مشکلات کارگران و سندیکاهای کارگری ایران است با فرستادن اخبار و مقالات خود ما رادر هرچه بهتر شدن این نشریه کارگری یاری کنید.

انتخابات و سندیکاهای کارگری

مازیار گیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک



بیش از سه دهه است که موضوع انتخابات همیشه مورد توجه مردم، سیاسیون و کارگران بوده است. سه دهه از بسته شدن فضای سیاسی کشور و نقض آزادی بیان و پس از بیان و آزادی مطبوعات می‌گذرد و موضوع شرکت کردن و یا نکردن انتخابات همیشه در موسم انتخابات مطرح می‌گردد. بیش از یکصد سال است که طبقه کارگر برای حق رای و حقوق مساوی همه مردم مبارزه کرده است. انتخاب کردن و انتخاب شدن یکی از حقوق مسلم مردم است حال چرا باید از این حق استفاده کنند و یا نکنند؟

من همیشه سوالاتی را پیش پای دوستان کارگرم گذاشته ام که: «رأی دهنگان بگویند چگونه از آرایشان صیانت خواهند کرد؟ و همچنین تحریم کنندگان بگویند حرکت بعدیشان چیست؟» و ازانان خواسته ام که در مورد این موضوعات شعاری برخورد نکنند که بیش از سی سال است که شعارهای مختلف را شنیده ایم و حالا می‌خواهیم فارغ از احساسات و با استدلال سندیکا انتخابات را تحریم و بخشی هم در انتخابات شرکت کرده اند که هر دو از حق شهروندیشان استفاده نموده اند. بارها در سندیکا بحث شده و دوستان گفته اند که سندیکا چرا اطلاعیه ای در مورد انتخابات صادر نمی‌کند و نمی-

گوید چرا شرکت می کند و چرا شرکت نمی کند؟ و یا اصلاً موضع سندیکا در قبال انتخابات چیست؟

بارها به دوستان گفته ام که سندیکاهای کارگری در صورتی در انتخابات شرکت می کنند که یا نماینده ای از سندیکاهای کارگری کاندید شوند و یا احزاب طبقه کارگر نماینده ای را به این منظور معرفی کنند. در این صورت است که فعالانه در انتخابات شرکت می کنند. چرا که می توانند از رای شان در صورت تخلف نمایندگانشان، برخلاف تعهدی که داده اند، صیانت کرده و در یک بازخوانی رای، آرایشان را از نمایندگان مختلف پس گرفته و با جمع آوری امضا آنها را خلع کنند. این یکی از دستاوردهایی است که از زمان کمون پاریس کارگران توانسته اند بدست بیاورند و بسیار مهم است و از آن چون مردمک چشم پاسداری می کنند.

طبقه کارگر و کوشندگانش می دانند که تحریم یک حرکت سیاسی است و از طرف هر نهادی که گرفته شود با برنامه ریزی خواهد بود والا الاختکی نیست. نهاد هایی که امر به تحریم می دهند باید مشخص کنند که حرکت سیاسی بعدیشان چیست؟ آیا پس از تحریم از ابزار تحصن، راهپیمایی، اعتصاب، استفاده خواهند کرد؟ یا به تحریم منفصلانه و دعوت به خانه نشینی روی می آورند؟ تحریم از راهکارهای انقلاب است و تردیدی در آن نیست. پس پشت این حرکت سیاسی، توان و قدرت سازماندهی نهفته است.

رای دهنگان چگونه می خواهند از آرایشان صیانت کنند؟ آیا رای دهنگان برای تقلب، برای مراقبت از صندوق ها در زمان رای گیری و شمارش آرا کادرهای مورد اعتماد و ورزیده ای را تربیت کرده اند؟ یا باز هم با اعتمادی بدون پشتونه و تعهد، به کاندیدایی رای فقط می خواهند بدهند. تجربه به ما آموخته که مدعیان اصلاحات فقط رای مردم را می خواهند و بس و پس از انتخاب به کسی هم پاسخگوی اعمالشان نیستند.

اما در این بحبوحه وظیفه ما چیست؟ آیا به تحریم منفعلانه روی بیاوریم و خانه نشینی را انتخاب کنیم؟ یا با دادن رایی غیرهدفمند و بی پشتوانه کسانی را انتخاب کنیم که به هیچ تعهدی پای بند نیستند؟

من فکر می کنم انتخابات بهترین شرایط برای هم رای دهنگان و هم تحریم کنندگان است تا با رقتن به میان مردم اهداف مردمی خود را تبلیغ و مطالبات مردم را ارتقا داده و کاندیداهای را مجبور کنند که شفاها و مکتوب شعارهای مردمی داده و متعهد به اجرایش بشوند. هرچند که می دانیم عمل نخواهند کرد. تا اینجای کار هر دو جناح تحریم و رای دهنگان با حضور هدفمند خود به ارتقاء مطالبات مردم و آگاهی آنان کمک کرده اند. در اینجاست که هر دو جناح باید از فرصت استفاده کرده با ارتباط گیری با مردم تشكل هایی را حول خواسته های مطرح شده اشان شکل بدهند. این هنرمندی کادرهای این دو جناح است که بتوانند ارتباطات مردمی خود را در این فضا بوجود بیاورند. اگر نه پس جناح های عقیمی هستند که رابطه ای با مردم نداشته و در توهمات خود سرگردانند و مدار برخلاف آنها خواهد چرخید. شعارهایشان در میان عصبیت و سردر گمی محو خواهد شد.

من فکر می کنم پس از سی سال از بسته شدن فضای سیاسی ، هر دو جناح باید توانسته باشند نیروهایی را تربیت و به میدان بفرستند. آیا در میان هزاران دانش آموخته حقوق و علوم سیاسی و رشته های دیگر انسانهای مورد اعتمادی که اهداف ما را دنبال کنند یافت نمی شود؟ نیستند کسانی که با تحصیلات دانشگاهی بتوانند حداقل اهداف ما را با شرافتمندی دنبال کنند و خود فروخته هم نباشند؟ تا ما از کاندیداتوریشان حمایت کنیم و مردم را حول این کاندیداهای مرکز کنیم؟ اگر جواب منفی باشد باید به خودمان و جامعه امان یک محکم گفت که من شک ندارم که چنین چیزی نیست و هستند جوانان شرافتمندی که به دور از هیاهوهای شعاری بتوانند ثبت نام بکنند. فقط ما باید دست از شعار برداریم و به میدان بیاییم.

احضار داود رضوی به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب

داود رضوی تلفنی به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب احضار شد و باید ۲۴ آذر خود را به دادگاه معرفی کند. یادآور می شود ابراهیم مددی و داود رضوی ۹ اردیبهشت ماه ساعت یک بامداد در منزلشان توسط مامورین وزارت اطلاعات بازداشت شدند و موبایل، کامپیوتر و لب تاپ آنها نیز ضبط شد. و پس از ۲۲ روز بازداشت در بند ۲۰۹ زندان اوین هر کدام با قرار کفالت صد میلیونی تومانی آزاد شدند. این احضار و فشارها برای فعالین سندیکایی و کارگری در حالی صورت می گیرد که فساد و رشوه و رانت خواری در کشور بیداد می کند و هر روز شاهد ذری های میلیاردی از بیت المال هستیم. متأسفانه بجای دزدان و چپاولگران اقتصادی که از خون مردم و کارگران تغذیه می کنند شاهد احضار و زندان و تهدید فعالین سندیکایی و کارگری هستیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهدید، احضار و زندان کارگران را محکوم کرده و خواهان منع پیگرد قضایی و آزادی بی قید و شرط ایشان می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۳۹۴ آذر ۲۲

«سندیکای کارگران فلزکار مکانیک احضار مسوولان سندیکای کارگران شرکت واحد را نقض آشکار قانون اساسی می داند و آنرا محکوم می کند.»

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ۲۲ آذر ۱۳۹۴

درجستجوی مراد kmkoomak@gmx.com



کار مختص جامعه انسانی نیست در میان جانورانی که به صورت اجتماعی زندگی می کنند مانند، حشراتی چون زنبور عسل و مورچه ها کار و تقسیم کار و توزیع مواد غذایی گرد آوری شده یک واقعیت غیر قابل انکار است و حتا در برخی اجتماعات مورچه هابه نگهداری شته ها برای گرفتن شیره از آنها صورت می گیرد. در هر صورت نتیجه کار جمعی به همه ی اعضای جامعه می رسد در جهان جانوران، خودی و غیر خودی معنایی ندارد. معیار ارزش ها کار مفید است. ولی امروزه در کشور مدعی ... ماهها از پرداخت حقوق که تنها دارایی کارگران برای تداوم زندگیشان است خود داری می کنند دولت هم که باید نماینده همه ی مردم باشد با پاسداری از منافع افکیت یک درصدی ها (نولیبرالهای وطنی و بیگانه) چشم بر این جنایات فرو بسته است و از خود نمی پرسند خانواده های کارگران بدون دریافت حقوق چگونه باید زندگی کنند. فراموش کرده اند مشروعیت این دولت ها به همان ۹۰ درصد آرایی است که مردم به آنها داده اند. با حذف تدریجی قانون کار و مواد قانون اساسی خود را در عمل و به صورت قانونی از مشروعیت انداخته اند. از سوی دیگر مردم ما به خود باوری نرسیده اند و مانند جهان بینی عصر فئodalی در جستجوی مرادی هستند تا آنها را هدایت کند.

در ایران در دگرگونی های سال های ۵۷ مردم به دلیل سرکوب خونین دوران شاه با اندیشه های پیشرفته جهان آشنایی نداشتند از این رو با همان باورهای دوران واپس گرایی، بدون باور به خود، و بیگانه از ارزشها فردیشان،

سرگشته‌ی بیابان‌های نا آگاهی شدند، و فریاد مردمی مولوی را که نزدیک به یک هزار سال قبل در زیبا ترین فرم اعلام نمود، نشنیدند: . . . معشوق همین جاست بباید بباید . . . گر صورت بی صورت معشوق ببینید . . . هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شمایید. از این رو انقلاب را واگذار کردند و از میدان نبرد طبقاتی خارج شدند، با این خوش بینی که با رفقن دیکتاتور، خود به خود همه مشکلات حل خواهد شد. با کناره گیری مردم از انقلاب و پس از گذر جامعه از توطیه‌های متعدد امپریالیسم جهانی و با پایان جنگ، همان مناسباتی که دشمن استقلال ما بود (تعديل ساختاری و خصوصی سازی) و کشور‌های زیادی را به ورشکستگی کشانده بود، و خواست و پیشنهاد امپریالیسم جهانی یود، به مراد، "دولت سازندگی" تبدیل شد یا در حقیقت دنباله روی و نقلید از مرجع جهانی این دولت‌ها (صندوق بین المللی پول) و بدین گونه روند بازگشت به حاکمیت بی قانون فاقحاریه، شکل گرفت. جنبه‌های منفی قانون اساسی تقویت شد، و جنبه‌های مردمی آن دور زده شد. تا بزعم "نو لیبرالهای وطنی" شرایط مساعد برای سرمایه گذاری غربی‌ها و شرقی‌ها و دلالان بازار سرمایه، فراهم شود. البته به قیمت حذف همه‌ی مواردی که در قانون اساسی در راستای منافع مردم بود. در حقیقت "سردار سازندگی" با کمک اقتصاد دانان (مقلدان) صندوق بین المللی پول {گروه سرسپردگان‌ها یک فاشیست، غنی نژاد، زیبا کلام، دادخواه و حواریون} انقلاب را به گور سپردند. برآیند این واپس گرایی، امروز در مناطق آزاد تجاری - صنعتی نمودی چرکین دارد. پیمانکاران پلیس خصوصی دارند، موظف به بیمه کردن کارگران نیستند، می‌توانند احکام دادگاه را ندیده بگیرند و کاگران را بدون دلیل موجه اخراج کنند. (به کتاب روابط کار، فراردادهای کار . . . در مناطق آزاد تجاری - صنعتی مراجعه گردد). این شرایطی را که حاکمیت اسلامی پس از جنگ در محیط‌های کار ایجاد نموده، پرورده‌ها را به جنگلی با مناسبات دنیای وحش تبدیل کرده است. همه بر علیه هم کارشکنی می‌کنند. قویترها ضعیف ترها را پای مال می‌کنند. کارگران برای نگهداری کارشان

تن به هر کاری حتا آدم فروشی برای پیمانکاران می دهد. پیمانکاران از هر کارگر، کارچند کارگر را، انتظار دارند آنهم بدون پرداخت سر ماه حقوق و اگر کارگر نتواند یا نخواهد به صورت مضاعف استثمار شود، بدون درنگ اخراج می شود. در این بازار، خرید و فروش؛ جان و هستی کارگران با حداقلی که پرداخت نمی شود، مبادله می گردد. نیروی کارنمی تواند با حقوق برابر، وارد معامله و بستن یک قرارداد شود. از سوی دیگر دولت های پس از جنگ با قانون زدایی یک طرفه، بنفع سرمایه داران ساختار نسل کشی تدریجی نیروی کار را رقم می زند. و صدای اعتراض کارگران را با نهادهایی که در مناطق به اصطلاح آزاد تجاری - صنعتی ایجاد کرده اند در گلو خفه می کنند. تا روزی در مدارس ایران و جهان دانش آموزان بخوانند: در حاکمیت اسلامی چگونه کارگران به وحشیانه فرمی استثمار مضاعف و سرکوب می شدند در آن درس ها خواهند خواند، که در این حاکمیت که معمولاً باید "معنویت" را پاس بدارند دریک قرارداد ساده و یک طرفه بازار کار، طرف خریدار بر احتی به قراردادش (پرداخت حقوق) تا ماهها عمل نمی کند ولی هیچ نهاد شرعی و یا غیر شرعی او را مورد پرسش هم، قرار نمی دهد. ولی اگر کارگران از فشار فقر و گرسنگی و گرانی که خانواده هایشان را به نابودی کشانده است، دست از کار بکشند (اعتصاب) واجب الشلاق و زندان می شوند !! و یا به وسیله پلیس خصوصی مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و برای همیشه از کار محروم می شوند(بلک لیست).

متاسفانه مردمی که هنوز مانند مردم سده های میانه اندیشه می ورزند و به خود باور ندارند و در جستجوی مراد هستند؛ آنهم در قرن ۲۱. خود را درباتلاقی گرفتار کرده اند مرگ بار و بدون هیچ ارزش انسانی. ولی همیشه راهی برای برون رفتن وجود دارد مهم این است که، ما بخواهیم، و با شناختی علمی با این ناهنجاری های سرمایه داری جهانی برخورد کنیم.

گزارش‌های خبرنگاران پیام سندیکا :



اخراج ۴۷ هزار زن پس از پایان مرخصی زایمان

بر اساس مصوبه مجلس در سال ۸۶ مرخصی چهارماهه زایمان زنان به ۶ ماه و سپس در اردیبهشت سال ۹۴ دوره مرخصی بارداری زنان به ۹ ماه افزایش یافت. محمدحسن زاده معاون فنی و درآمد بیمه تامین اجتماعی می‌گوید که: « ۳۰ درصد این زنان پس از مراجعته از مرخصی زایمان از کار اخراج شده اند .» متأسفانه دیدگاه حذف زنان از عرصه های اجتماعی به بصورت قانون زنان را تهدید می کند. در تمامی این سالها هیچ تضمینی برای بازگشت به کار این مادران در قانون در نظر گرفته نشده است و باید از این به بعد منتظر اخراج های بیشتری از زنان باردار شده از محل کارشان باشیم.

مشکلات بازنیستگان آموزش و پرورش

با تجمع هر دو شنبه بازنیستگان آموزش و پرورش در حیاط تعاونی فرهنگیان در خیابان فیاض بخش تهران ، این فرهنگیان از عقب افتادن ۳ روزه حقوق خود در آزماه شکایت داشتند. در این تجمع که ۳ سخنران زن نیز صحبت کرده و از عدم اجرای هماهنگ سازی حقوق کلیه کارکنان کشوری گله مند و معتبرض بودند. بازنیستگان قرار گذاشتند که دو شنبه با تهیه طوماری در مقابل دفتر ریاست جمهوری اجتماع کرده و خواستار یکسان شدن حقوق بازنیستگی شان با بازنیستگان دارایی و شرکت نفت شوند. همچنین

مذهast هزینه، بیمه تکمیلی و بیمه طلایی این بازنشتگان از حقوقشان کسر می شود ولی در فیش حقوقی شان درج نمی گردد. سخنرانان می گفتند معلوم نیست این پولها کجا می رود و چه مقدارش به صندوق بازنشتگی شان واریز می شود. بازنشتگان آموزش و پرورش تصمیم گرفتند حال که وزیر به خواسته هایشان بی توجه است طومار را به شکایتی به دیوان عدالت اداری برد و پیگیر مطالبات خود شوند. همچنین قول وام های ۷ میلیونی به این بازنشتگان داده شده بود که هرماهه ۳۰۰ هزار تومان از حقوقشان کسر شود و ۲ میلیون هم سود بهره اش بود و بازنشتگان فقیر قبول کرده بودند ولی از این وام هم خبری نیست.



جابر بیابانگرد، خبرنگار پیام سندیکا:

۴۲۳ هزار راننده کامیون در سراسر کشور به حمل و نقل بار مشغولند. حقوق بیشتر این راننگان به خاطر ناگاهی از قانون زیرپا گذاشته می شود. این راننده های زحمتکش بابت کمیسیون هایی که بنگاههای باربری از آنان گاهی وقت ها تا ۵۰ درصد می گیرند هیچ سندی دریافت نمی کنند تا بتوانند شکایت بکنند. اعلام بار در پایانه ها توسط دلالان صورت می گیرد و هر کسی که می خواهد زودتر بار بگیرد باید به این دلال ها مراجعه کند و کمیسیون های آنچنانی بدهد.

ظلم به راننده ها فقط از طرف بنگاههای باربری نیست ، بلکه راهنمایی راننگی معاینه فنی اتوبوس ها را که برای تردد در هر شهری صادر می کند

را قبول نمی کند و باید به معاینه فنی که پلیس راهنمایی صادر می کند مراجعه کند. این کاغذ بازی ها فقط وقت و انرژی رانندگان را تلف می کند.

بازنشستگان ذوب آهن گرفتار باند بازی

با توجه به اینکه بخش درمانی و صندوق بازنشستگان ذوب آهن یک صندوق مستقل بوده و چند سالی است این صندوق گرفتار باند بازی گشته و بازنشستگان ذوب آهن برای درمان خود سرگردان هستند. بطوریکه قبل اگر به پزشکی مراجعه می کردند می توانستند هزینه این ویزیت را بگیرند و یا ام آر آی و ستی اسکن و غیره را. ولی در حال حاضر سرگردان و معلوم نیست چه کسی باید جوابگو باشد. در حال حاضر حقوق بازنشستگان مهر و آبان پرداخت نشده است. تاکنون بارها و بارها بازنشستگان به عنوان اعتراض به تهران آمده اند ولی جز وعده از مسؤولین چیز دیگر را مشاهده نکرده اند. اندوخته های این بازنشستگان به تراج رفته و کسی به گردن نمی گیرد.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ۹۴/۹/۷

خبر تكميلي:

امروز بیش از ۵۰۰ تن از بازنشستگان ذوب آهن از اصفهان ، تهران، کرج در مقابل دفتر ریاست جمهوری در تهران گردهم آمدند. آنان از عقب افتادن حقوق و تعیین تکلیف موجودی صندوق بازنشستگی کارکنان ذوب آهن و همچنین موضوع بیمه های تکمیلی شان به ریاست جمهوری شکایت برده بودند. متاسفانه هیچ کس برای پاسخگویی به این زحمتشان حاضر نشد. تصمیم بر این است که باز هم فردا در مقابل دفتر ریاست جمهوری ساعت ۸ صبح تجمع کنند.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ۹۴/۹/۱۵

خبر تکمیلی از تجمع کارگران فولاد اصفهان

۵۰ بازنیسته فولاد اصفهان که از اصفهان، تهران، کرج و سایر شهرها ۱۵ آذر به تهران آمده و در مقابل دفتر ریاست جمهوری تجمع نموده بودند، شب را در مسجد دخانیات با یک پتو سرکرده و از صبح دوشنبه ۱۶ آذر در مقابل وزارت دارایی دوباره تجمع کرده و خواسته های خود را مطالبه می کردند. متاسفانه کسی همچنان به پاسخگویی به این کارگران فرسوده از کار، اقدامی نکرد. در همین بین یکی از بازنیستگانی که برای نصب پلاکارد اعتراضی تلاش می کرد، سکته کرده و با آمبولانس به بیمارستانی منتقل و اعلام شد که او فوت کرده است. این خبر باعث ناراحتی بازنیستگان شد و شعارهایی بر علیه وزارت دارایی و دولت دادند. هنوز شعارها پی در پی داده می شد که نفر دوم هم چار عارضه قلبی شد و در میان بہت همگان به بیمارستان برده شد.

پس از چندی طیب نیا وزیر دارایی در مقام پاسخگویی به بازنیستگان گفت که قول می دهم مشکلات شما را پیگیری کرده و تا اسفند ماه حل کنم. همچنین مابه التفاوت اضافه حقوق ها از سال ۹۰ را هم به شما پرداخت کنم. هزینه های درمانی دفترچه های بیمه خدمات درمانی اتان را هم که شامل ویزیت پزشکی، داروخانه ای، آزمایشگاهی، و عکسبرداری نیز پرداخت خواهد شد. او قول داد صندوق بازنیستگی فولاد اصفهان در تامین اجتماعی ادغام نخواهد شد.

با قول وزیر و خبر بهبودی بازنیسته منتقل شده به بیمارستان باعث شد این کارگران بازنیسته فولاد اصفهان به شهرهای خود بازگردند و منتظر نتیجه اقدامات وزیر بمانند.

پوشش ندادن خبرگزاری ها از این تجمع باعث دلخوری بازنیستگان شد.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ۹۴/۹/۱۷



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

چندی پیش در مورد خرید ۲۰۰ دستگاه اتوبوس دو کابین از چین گزارشی را منتشر کردیم. این اتوبوس‌ها که به دستور مستقیم آفای فلیبااف از چین خریداری شده‌اند و در سامانه ۵ شرکت واحد کار می‌کنند از کیفیت بسیار بدی به لحاظ اتاق و جلوبندی و دیگر مشخصات فنی برخوردارند. این ماشین‌ها که گیربکس و موتوری آلمانی دارد، به لحاظ استاندارد از ضعف‌های بسیاری برخوردار است از جمله اینکه این اتوبوس‌ها در سر پیچ‌ها تکان‌های شدیدی را به اتاق اتوبوس منتقل می‌کنند که باعث نارحتی مسافران و راننده‌ها شده است. بخش‌های فنی این اتوبوس‌ها بطورکامل راه اندازی نشده و مسولین فنی شرکت واحد به این موضوع با بی‌اعتنایی برخورد می‌کنند.

دستور خرید ۲۰۰ دستگاه اتوبوس دو کابین در حالی است که کارخانه واگن‌سازی اراک که بهترین سازنده واگن و اتاق سازی است به دلیل نداشتن مشتری در حال رکود بسر می‌برد. سیاست درست صنعتی ایجاد می‌کند که کلیه واگن‌های مترو و قطارهای بین شهری و اتوبوس‌های شهری و بین شهری را کارخانه‌های داخلی بسازند تا هم صنعت ما رشد کند و هم کارگران این واحد تولیدی بیکار و در جامعه رها نشوند و همچنین دزدان بین المللی مانند بابک زنجانی‌ها از زیر بغل آفایان بیرون نیاید.

به نظر شما چرا باید واگن‌سازی اراک تعطیل شود ولی از خارج اتوبوس وارد شود؟ سیاست درست اقتصادی رشد دلالی است یا راه اندازی کارخانه‌ها؟

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از سامانه یک شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

۱- در دل یک راننده زحمتکش : در پی جابجایی مدیریت سامانه یک و بازدید مدیر جدید در تاریخ ۹۴/۶/۹ ساعت ۹ صبح در درب ورودی دپو شرق ، متسافانه عوامل بهره برداری با توقف طولانی اتوبوسها جهت برداشتن مسافر به نشان اینکه در این خط کمبود اتوبوس احساس نمی شود، موجبات اعتراض مسافرین در اتوبوس اینجانب گردیدند. این توقف طولانی باعث ایجاد تهوع و سرگیجه به علت نخوردن صبحانه و زیاد شدن مدت کار برایم پیش آمد. براستی تا به کی باید شاهد این روش مدیریت در سامانه ها باشیم؟ چرا نمی گذارند کارها طبق روال خود انجام گیرد؟ علت تنفس بین راننده و مسافر از کجا نشات می گیرد؟ به دنبال چاره کار هستیم ولی خودمان مشکل درست میکنیم.

۲- در روزهایی که مدیران شرکت واحد از اضافه نیروی در مجموعه شرکت واحد عنوان حرف می زنند ، شاهد واگذاری اکثر قسمت ها به بخش خصوصی می باشیم. برای نمونه یکی از این واگذاری ها ، نظافت اتوبوس ها در پایانه آزادی است. طبق خبرهای رسیده رقم پرداختی حقوق برای هر کارگر خدماتی روزانه ۲۷۵۰۰ تومان بدون بیمه و پاداش و مزایا منظور شده است. اصرار کارفرما برای افزایش نظافت اتوبوس ها به بالای ۱۲۰ دستگاه که با توجه به حدود ۱۰ نفر کارگر و میانگین ۸۰ الی ۸۵ دستگاه اتوبوس جهت نظافت تعجب برانگیز است. تعجب زمانی بیشتر می شود که در ساعت کاری رقم درخواستی کارفرما به علت دریافت مبلغ ۱۰ هزار تومان از شرکت واحد می توان به اصرار ایشان که همانا کار بیشتر و پرداخت کمتر را متوجه شد. کارفرما خانم سعیدی و دفتر ایشان در میدان آرژانتین می باشد. این تنها آمار اعلام شده فقط برای سامانه یک می باشد. متسافانه دادن دستمزد های کم به کارگران و بردن سود های کلان به امری عادی تبدیل شده است. باید گوش به زنگ بود تا رشوه های دریافتی برای این نظافت کردن ها را شنید.

۳- با توجه به سنگینی رفت و آمد خط آزادی به تهران پارس و طولانی بودن مسیر و صادر شدن بخشنامه های سلیقه ای همه روزه مسولین بهره برداری ، افزایش فشار و نگرانی بر روی رانندگان زحمتکش هر روز زیادتر می شود. به همین خاطر متسافانه هر از چند گاهی شاهد تصادف رانندگان با عابرین پیاده و موتورسواران هستیم و طبق معمول رانندگان مقصرا و همچنان محروم از حمایت های مسولین زیربط. جالب اینکه راننده ای که تصادف می کند پس از رایزنی های فراوان به مدت محدودی به شغل دیگر منتقل و دوباره پشت فرمان قرار می گیرد.

۴- نارضایتی رانندگان و کارکنان سامانه یک در خصوص پرداختی های بیمه تکمیلی به رانندگان و کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران. جمعی از همکاران طی تماس با خبرنگار پیام سندیکا مبالغ پرداختی از سوی بیمه تکمیلی را بسیار ناچیز عنوان نموده اند و خواستار رسیدگی در این خصوص می باشند. برای نمونه یکی از رانندگان جهت درمان خود ۵۳۰ هزار تومان پرداخت کرده و با ارایه فاکتور به بیمه تکمیلی متسافانه تنها ۱۲۳ هزار تومان یعنی کمتر از یک چهارم خرج کرد خود را دریافت نموده است. چرا مسولین به این بی عدالتی رسیدگی نمی کنند؟

۹۴/۱۹/۹

خبر تکمیلی از سامانه یک:

۱- با توجه به تقلب و تخلفات در برگزاری انتخابات فرمایشی شورای اسلامی سامانه یک شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و منحل شدن این انتخابات ، متسافانه شاهد کسر مبلغ ۱۵۰ ریال از حقوق رانندگان و کارکنان سامانه یک به مدت ۲۳ سال می باشیم. این کسر از حقوق غیرقانونی و نارضایتی کلیه کارکنان این سامانه راموجب شده است. در سامانه یک شرکت واحد بیش از ۱۰۰۰ نفر شاغل هستند.

۲- متاسفانه با خبر شدیم همکار جانباز مرحوم محمد فلاح تفتی که در قسمت سوخت زنی شیفت شب واقع در توقفگاه غرب سامانه یک (استادیوم آزادی) در مورخه ۹۴/۶/۱۰ پس از سالها تحمل درد و رنج جان به جان آفرین تسلیم کرد. کارگران شرکت واحد و بخصوص سامانه یک ، این مصیبت واردہ را به خانواده محترم ایشان و دیگر همکاران سامانه یک تسلیت گفته و خواستار رسیدگی مسؤولین به شان و منزلت دیگر جانبازان شاغل در شرکت واحد می باشد.

خبر تکمیلی از سامانه یک:

متاسفانه پس از گذشت حدود ۶۰ سال از تاسیس شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هنوز صندلی راننده اتوبوس ها فاقد استاندارد میباشند و این امر باعث آسیب زدن به سلامت جسمی راننده ها میشود ، همه راننده ها امروز از نا راحتی های جسمی رنج میرند تعداد زیادی از این راننده ها بیماری هایی از قبیل دیسک کمر ، بیماری های پا ، گردن ، کتف ، دنبالچه و نظیر اینها که همه ناشی از غیر استاندارد بودن صندلی میباشند رنج میرند.

امروزه بدلیل طولانی بودن مسیر BRT بیماری هایی مثل ناراحتی کلیه و مثانه هم به رنج های جسمانی راننده ها اضافه شده.

به روایت یکی از راننده ها که در دانشگاه خواجه نصیر برای گذراندن آموزش رانندگی حرفة ای که از سوی شرکت واحد به صورت دوره ای برای راننده ها برگزار میشود ، یکی از اساتید عنوان میدارد که قیمت صندلی اتوبوس از ۵/۲ میلیون تومان تا ۲۰ میلیون تومان در بازار میباشد که شرکت شما ارزان ترین را سفارش میدهد . نتیجه اینکه مدیران و مسؤولان سود جو فقط منافع خود را در نظر میگیرند و اصلاً تدبیری برای سلامت پرسنل خود ندارند .

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد: AM ۹:۱۴

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا رانندگان سامانه ۴ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به دلیل تأخیر ۴ روزه پرداخت حقوقشان از صبح امروز با روشن نمودن چراغ های اتوبوس های خود در سطح شهر تهران ، اعتراض خود را به تأخیر اعلام کرده اند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد: PM ۸:۴۷:۴

با اطلاع رسانی سربع و دقیق ما از اعتراض رانندگان شرکت واحد سامانه ۴ خط ۷ بی آرتی به دلیل عقب افتادن ۳ روزه حقوقشان در ساعت ۹ بامداد امروز ۳۰ آذر در تلگرام سندیکای کارگران فلزکار مکانیک و پوشش خبری آن که باعث شد رانندگان در سایر نقاط هم به این اعتراض بپیوندند. این اعتراض با روشن نمودن چراغها در شیفت بعدی هم اتفاق افتاد. هر چند آقای نیستانی مدیر این سامانه در سر چهارراهها از رانندگان می خواست که به اعتراض خود خاتمه بدهند و امروز او سعی خواهد کرد که حقوق ها پرداخت شود، ولی تا ساعت مخابره این خبر در ساعت ۸ شامگاه هنوز حقوقی پرداخت نشده و فردا هم این اعتراض کماکان ادامه خواهد داشت. این در حالی است که حقوق پرداخت نشده به آبان تعلق دارد و رانندگان و زحمتکشان شرکت واحد حقوق هرماهه خود را با یک ماه تأخیر دریافت می کنند.

نکته جالب این جاست که در طی سه روزی که تهران مدارسش را به دلیل آلودگی تعطیل کرده ، مدیران شرکت واحد به فکرشان نرسیده به رانندگانی که در مرکز آلودگی قرار دارند حتا یک ماسک بدهد. به این مدیریت باید گفت.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد : AM ۱۰ : ۳۵

با اعتراض روز گذشته رانندگان خط ۷ بی آر تی راه آهن - تجریش به دلیل دیر پرداخت شدن حقوق آبان ماه ، امروز هم این اعتراض ادامه دارد و بخشی از رانندگان این خط در توقفگاه حضور پیدا کرده ولی از به حرکت درآوردن اتوبوس ها خودداری کرده اند ، به همین دلیل این خط امروز با کمبود اتوبوس روبروست.

با تمام تلاش مدیر مالی شرکت واحد که به رانندگان اعتصابی گفته است تا ساعت ۱۱ امروز حقوقها پرداخت خواهد شد ، تا لحظه‌ی مخابره‌ی این خبر رانندگان هنوز به سر کار برنگشته اند.

خشم کارگران بیشتر به این دلیل است که پرداخت حقوق آبان نه تنها چند روز دیر شده است بلکه شب یلدای این کارگران فقیرانه تر از همیشه برگذار شده است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد : PM ۶:۰۶:۰۳

با اعتراض دو روز اخیر رانندگان شرکت واحد که در خط ۷ سامانه ۴ و ۹ سامانه روی داد. شرکت واحد در ساعت ۲ بعدازظهر امروز حقوق آبان ماه سامانه ۴ و ۹ را پرداخت کرد و سپس در ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه شامگاه حقوق سایر سامانه‌ها پرداخت شد. اعتراض امروز و دیروز رانندگان به دلیل پرداخت نشدن حقوق آبان ماه و بی پولی رانندگان در شب یلدای طی گزارشاتی به اطلاع خوانندگان رسید. امروز هم در تداوم این اعتراض بیش از ۶۰ دستگاه اتوبوس خط ۷ راه آهن به تجریش از پایانه‌های خود به نشانه اعتراض حرکت نکردند. همچنین در یک اقدام اعتراضی دیگر رانندگان سامانه ۹ هم به نشانه اعتراض چراگاهی اتوبوس خود را روشن کردند. در سر چهارراه‌های منتهی به رفت و آمد این اتوبوس‌ها ماشین‌های گشت

شرکت واحد به همراه اعضای حراست شرکت مشغول نوشتن پلاک رانندگان معرض بودند که البته نتوانستند این اتحاد و همبستگی را به شکست بکشانند.

ما به همه رانندگان پیام می‌دهیم از فردا کلیه رانندگان معرض را خواهد خواست و آنها را توبیخ و خطوط آنان را تعویض و شیفت هایشان را تغییر خواهند داد. با استقبال از این رانندگان در خطوط و شیفت های خود پایداری و همبستگی را هرچه بیشتر کنیم.

این اخبار به دلیل حساسیت بالای خبری بر روی خط تلگرام سندیکای کارگران فلزکار مکانیک قرار گرفت تا سندیکا و کارگران شرکت واحد و دیگر کارگران به سرعت از آن مطلع شده و دیگر کارگران را در جریان این حرکت اعتراضی بگذارند!

۹۴/۹/۱

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از سامانه یک اتوبوس‌رانی تهران:

۱- رانندگان شیفت شب خط بی آر تی آزادی به تهرانپارس از رسیدگی نکردن مسولین در رابطه با خرابی اتوبوس‌ها خبر می‌دهند. بویژه نداشتن بخاری مناسب در این هوای سرد شبانه تهران. طبق گفته یکی از رانندگان اتوبوس شهاب پیرامون اعزام های مکرر به تعمیرگاه جهت رفع عیب سرویس گرمایشی مسافرانه اتوبوس فوق همچنان فاقد بخاری مناسب می‌باشد.

۲- طی ماههای گذشته از طرف امور بهره برداری شرکت واحد تصمیماتی مبنی بر توقف اتوبوس ها در نیم راه آخر ساعات کاری به رانندگان نواحی ابلاغ شده است. به این شکل که رانندگان موظف هستند برابر با یک ساعت و نیم مانده به اتمام کار خود جهت برداشتن مسافر از تهرانپارس به سمت آزادی حرکت نمایند. این تصمیم غیرکارشناسی موجب طولانی شدن صف اتوبوس ها در آخر خطوط و نارضایتی رانندگان شده است. رانندگان در این موقع با به صدا در آوردن بوق اتوبوسهای خود به این تصمیم مسؤولین اعتراض می کنند. این کار باعث شده که رانندگان در این توقف بی جا دچار عصبانیت از این تلف شدن وقت بشوند.

۳- در سامانه یک اتوبوسرانی تهران به دلیل تخلفها و تقلیبات متعدد مسؤولین در اجرای رای گیری شوراهای فرمایشی، سامانه یک نماینده کارگری ندارد. متأسفانه شاهد برگزاری کمیسیون فنی در این منطقه بدون حضور نماینده رانندگان می باشیم. این در حالی است که برگزاری این کمیسیون با توجه به نبود نماینده کارگر فاقد وجاهت قانونی است. پیگیری و گزارش آن در ادارات کار تنها سلاح جلوگیری از این حربه مسؤولین که از قانون چیزی نمی دانند و به زیان کارگران حکم صادر می کنند ، می باشد.

۴- پس از ادامه طرح شکست خود خودمانی سازی در شرکت واحد متأسفانه همچنان شاهد نارضایتی پرسنل سامانه یک در واگذاری بخش خصوصی در سرویس ایاب و ذهاب می باشیم. بطوریکه که خودروهای فوق بخاری و صندلی مناسب ندارند که آن هم به علت از رده خارج بودن (مدل پایین) بعضی از این اتوبوسهای لازم به ذکر است در برخی از مناطق شرکت به علت عدم استقبال رانندگان و کارگران از این طرح، رانندگان و کارگران همچنان از سرویس های دولتی استفاده می کنند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از هفت تپه:

اعتراض کارگران کارخانه کاغذ سازی پارس

کارخانه کاغذ سازی پارس که در جنب نیشکر هفت تپه واقع است و از محصولات باگاز (تفاله نیشکر) استفاده می کند ۵۰۰ کارگر بومی و غیر بومی دارد. این کارگران امروز به دلیل نگرفتن ۵ ماه حقوق و مقررات غیر قانونی و غیر انسانی وضع شده توسط مدیریت جدید دست به اعتراض در مقابل درب کارخانه از اولین ساعت کاری زده اند.

پس از خریداری این کارخانه توسط آقای مقدم یکی از اقوام آفایان لاریجانی ها در دو سال قبل، سخت گیری های غیرقانونی بر علیه کارگران اتخاذ شد. کارگرانی که به دلیل سختی کار در ۴ شبیت ۶ ساعته کار می کردند ، به دو شبیت ۱۲ ساعته کاری محکوم شدند که فشار کار بیش از اندازه شد و اغلب کارگران بیمار شده اند. هرگونه اعتراضی نسبت به حقوق و مزايا و ساعت کاری به اخراج منتهی شد. کارگران از ۳ ماه پیش نسبت به قوانین اعمال شده توسط کارفرما و اخراج های بی دلیل ، اعتراض های خود را به کارفرما منتقل کردند که فقط با پاسخ اخراج مواجه شده اند. کارفرما برای اینکه بتواند همبستگی کارگران را از بین ببرد به جای کارگران اخراجی ، دست به استخدام کارگرانی از استان قم زده است. هم اکنون اعتراض در مقابل کارخانه در حال انجام است. ۹۴/۹/۲۵



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو:



چرا خودروهای ساخت ایران بی کیفیت هستند؟

این چراها سالهاست که در ذهن اکثر استقاده کنندگان خودرو وطنی در ایران هست. خودروسازان برای اینکه سود هرچه بیشتری را نصیب خود کنند با استفاده نکردن از قطعات استاندارد زیان های زیادی را به خریداران زده و موجب بی آبرویی محصولات ساخت ایران می شوند. از جمله کارهایی که خودرو سازان می کنند خرید و نصب اورینگ ها، پلینگ، کاسه نمد، فیش سوکت، بلبرینگ های دست دوم و غیراستاندارد ولی ارزان و بی کیفیت است.

نصب این قطعات بر روی خودرو ها با این توجیه نصب می گردد که «چنانچه کار نکرد در نماینده گی اصلاح خواهد شد» در خط کنترل کیفی هم با توصیه های اکید به مهندسین و تکنسین ها برای نادیده گرفتن این موارد و فرستادن خودرو به بخش کنترل فنی نهایی، محصول بی کیفیت به سمت پارکینگ هدایت می شود. اکثر خودروها از قطعات جلوبندی و گیربکس های ضایعاتی و دست دوم خریداری شده از خارج از کشور برخوردارند. بسیار دیده شده که خودرو پس از طی مسافتی مشکل فنی پیدا می کند و با مراجعته به نماینده گی به او گفته می شود که تحت گارانتی نبوده و باید بطور آزاد هزینه را پرداخت کنید.

بارها مهندسین باشraf ناظر کیفی به این کارهای غیرحرفه ای و ضدتولید ملی که باعث بدنامی محصولات ایرانی می شود اعتراض کرده اند که با پاسخ

«شما کار خود را بکنید و به شما مربوط نیست» مسولان مواجه شده اند. در ۸ سال اخیر بیش از ۷۰ درصد مهندسین ناظر کیفی در ایران خودرو و سایپا به دلیل حفظ شرافت کاری خود مجبور به استعفا و یا اخراج گردیده اند. مدیران ارشد خودروسازی برای اینکه در خرید های خارجی پولی به جیب بزنند و از ۳۰ درصد رشوه برخوردار باشند در مواجه با مدیران فروش کشورهای خارجی با چشم بستن بر روی خرید قطعات دست دوم و ضایعاتی به کشور و مردم خود خیانت کرده و خدمتی به حساب های بانکی خود می کنند. سرمایه داری تاجر به هیچ چیز جز سود خود فکر نمی کند. وطن او در حساب های بانکی اش است.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ۱۳۹۴/۹/۲۰.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو:

در ۳ ماه گذشته تولید کارخانه ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده ولی وضعیت تولیدهای ناپایدار است. از آکورد کارگران حداقل مبلغ ۴۰ هزار تومان کسر شده و فقط ۱۶۰ هزار تومان به کارت کارگران ریخته شده است. پول رکورددار هم ششماه است که داده نشده و اضافه کاری ها از ۱۰۰ ساعت به ۳۰ ساعت محدود شده که همگی این موارد در دریافتی کارگران تاثیر گذاشته و دریافتی کارگران کم شده است. دریافتی کارگران در حالی کاهش یافته که، حقوق های کلان مدیران و هیات مدیره ها هیچگونه تغییری نکرده و همچنان پرداخت می شود.

تولید خودرو دنا افزایشی نداشته و قرارداد با آلمانی ها، بخصوص شرکت بنز، به دلایل مسائل کارگری، قیمت بالای خودرو تولید شده، عدم استاندارد لازم و مورد نظر کارخانه بنز هنوز بسته نشده است.

کارخانه همچنان به نصب قطعات دست دوم خارجی و قطعات بی کیفیت ادامه می دهد.

چگونه قطعه سازان داخلی ورشکست می شوند!

سرمایه داری تجاری سالهاست در دولت های مختلف کشور نفوذ کرده و موضوع وابسته تر کردن اقتصاد ایران به خارج از کشور را اجرایی می کند. از واردات چوب بستنی و کش شلوار تا قطعات خودرو.

از جمله شگردهایی که برای ورشکسته کردن صنایع قطعه سازی کشور به کار برده می شود، فشارهای غیر واقعی دواویر دولتی به این قطعه سازان می باشد. به عنوان نمونه سازمان تامین اجتماعی و سازمان مالیاتی، زیبا سازی شهرداری که هر کدام به عناوین مختلف به این کارگاهها ی کوچک فشار می آورند تا تعطیل شوند.

در سازمان تامین اجتماعی با ارایه لیست های غیر واقعی و حتا دان اخطار نامه هایی برای دادن بیمه سال قبل خودقطعه ساز را وادرار می کنند که با رفت و آمد های بی مورد آنچنان خسته شوند و با آنکه اسناد پرداختی خود را به بیمه در دست دارد با چانه زنی جریمه ۲۰ میلیونی غیرقانونی را به ۲ میلیون بر سانند. یا به کارگران کارگاههای قطعه ساز می گویند که کارفرمای شما بیمه بیکاری شما را پرداخت نکرده و از دادن بیمه بیکاری به این کارگران که کارگاه شان تعطیل شده و دسترسی به کارفرمایشان را ندارند، طفره میروند.

اما در کارخانه هایی که مافیای خودرو ساز در آنها حاکمیت دارند موضوع بر عکس است. برای نمونه در کارخانه نیرو محركه در سال جاری می خواستند ۴۰ درصد کارگران را اخراج کنند که این کارخانه به دلیل بی پولی و ندادن بدھی خود به تامین اجتماعی و سازمان ارزش افزوده از طرف استاندار دستور داده می شود که فعلاً موضوع را به عقب بیاندازند تا کارگران برای دریافت بیمه بیکاری به این سازمان مراجعه نکنند تا موضوع افشا نشود. این در حالی بود که از حقوق کارگران حق بیمه کسر شده بود. در صورتیکه به کارگاه قطعه ساز جریمه و پلمب کارگاه تعلق می گیرد.

در اداره دارایی با اعلام مالیات های کمر شکن به کارگاههای قطعه ساز آنها را وادرار می کنند که کارگاه خود را تعطیل بکنند. در حالی که کارگاه قطعه ساز با در دست داشتن مدارکی که نشان از ورشکستگی و زیان این کارگاه است بی تردید راه به جایی نخواهد برد. استدلال مامورین دارایی این است که این کارگاه فقط قیمت زمین و ماشین آلاتش فلان مقدار می ارزد پس این مبلغ

مالیات باید پرداخت کند و گرنه بفروشد به کسی که بتواند از این امکانات بهتر پول در بیاورد.

تعطیلی هر کارگاه قطعه سازی باعث می شود که شرکت هایی که واردات قطعه را در دستور کار دارند از هر فرارداد ۲۵ درصد کمیسیون به جیب بزنند. تا قطعات معیوب و دست دوم را به ایران آورده و روی خودروهای داخلی بینند. این خودروهای بی کیفیت به خریداران فروخته شده تا بازار خودروهای داخلی با این ترقند که ما نمی توانیم کالای خوبی تولید کنیم هم به صنعت داخلی ضربه بزنند و هم واردات اتومبیل خارجی همچنان داغ بماند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عدم خدمت رسانی بیمارستان ها:

روزهای متوالی است که تبلیغات کم کردن هزینه بهداشت با طرح سلامت از سوی دولت هر روزه با جار و جنجال عنوان می شود. کافی است به این خبر توجه کنید تا عمق فاجعه بهداشت و درمان را دریابیم. به گزارش روزنامه روزان ، سردار مرتضا طلایی رییس پلیس سابق تهران و عضو شورای شهر فعلی تهران و نایب رییس شورای شهر تهران پس از آنکه در خانه دچار حریق شد و پاهاش سوخت توسط خانواده اش به بیمارستان طالقانی رفت ولی کسی به وضعیت او توجه نکرد. سپس به بیمارستان مطهری رفته در ساعت ۹ صبح به وی گفتند پزشکی نیست تا او را درمان کند. در مقابل اصرار خانواده به ایشان گفته بروید تشکیل پرونده بدھید. او از این برخورد مسؤولین بیمارستانها بسیار شگفت زده شد.

باید توجه داشت که ایشان هم دارای بیمه خدمات درمانی نیروهای مسلح را داراست و هم از بیمه تکمیکی استفاده می کند و به لحاظ مالی هیچگونه مشکلی در پرداخت هزینه ها نداشته است. وقتی با نایب رییس شورای شهر تهران جناب سردار طلایی اینگونه برخورد شود شما بگویید با کارگران و

کارمندان تهییدست چه خواهند کرد و می کنند. امیدواریم سردار طلایی پس از بهبودی برای رفع این کمبود و مشکل اساسی اقدام کرده و بداند که مرگ فقط برای همسایه نیست.

مشکلات کارگران تاور کرین:

تاور کرین یا همان جرثقیل های هوایی در ماه گذشته با سقوط های پی در پی در پروژه های ساختمانی و کشته شدن رانندگان زحمتکشش به خبر اول پروژه های ساختمانی تبدیل شد. عدم رعایت ایمنی و سودجویی کارفرمایان و در پروژه های ساختمانی به مشکلی حل ناشدنی برای زحمتکشان این عرصه تبدیل شده است. کم کردن از ایمنی در پروژه ها در جهت صرفه جویی در هزینه ها چه در پروژه های ساختمانی و چه صنعتی به اصلی ترین مشکل کارگران بعد از معوق ماندن دستمزدها تا شش ماه و یکسال بدل گردیده است. در حال حاضر این جرثقیل های هوایی با عمری بیش از ۴۵ سال هنوز هم مورد استفاده می باشند . جرثقیل های هوایی در پروژه های ساختمانی و صنعتی و در بارانداز اسلکه ها مورد استفاده قرار می گیرند. کارفرمایان سود جو با بیمه نمودن جرثقیل های هوایی با مبلغی بیش از ۸۰۰ میلیون و بیمه حوادث نمودن رانندگان این جرثقیل ها با بیش از ۱۰۰ میلیون در حقیقت پول خون رانندگان این جرثقیل ها را می دهد. بیشتر حوادث این جرثقیل ها در موقع چرخش و با بریده شدن پیچ های ثابت کننده به تنہ جرثقیل رخ می دهد و راننده بینوا هم هیچ امکان فرار و یا ایمنی را در ۲۰۰ متری از زمین ندارد. مرکز استاندارد و وزارت کار هر دو این جرثقیل ها را از رده خارج دانسته ولی هیچ اقدامی برای متوقف نمودن کار این جرثقیل ها نمی کنند.

مردم و مشکلات آلودگی هوا :

با رسیدن فصل سرما و کاهش بارش و سرعت کم وزش باد، شهرهای بزرگ با مشکل آلودگی مواجهند. در شهرهای جنوبی کشور هم ریزگردها مهمان ۸ ماه از سال این بخش از کشورمان هستند. بی توجهی به این معضل از سوی مسؤولین شگفتی مردم را در پی داشته است. آیا استانداران، فرماندهان نیروهای مسلح، نمایندگان شورای شهر در جنوب کشور خود و خانواده اشان مصون از این آلودگی ها هستند؟ آیا در تهران خانواده رییس جمهور روسای مجلس و قوه قضائیه و نمایندگان مجلس از هوای آلوده استنشاق نمی کنند؟ پس چرا به این معضل بی اعتماد هستند؟ در تابستان خانم ابتکار مسؤول محیط زیست از رفتن به شهر اهواز به دلیل ریزگردها خوداری کرد و خشم مردم را برانگیخت. در حال حاضر استان های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، خوزستان، ایلام، جنوب استان خراسان از آلودگی ریزگردها رنج می برند. در تابستان و زمستان هم استان های تهران، قزوین، اصفهان و شیراز هم به دیگر استانهای الوده اضافه می شوند. تنها راه پیشگیری از آلودگی هوا و برخورد با ریزگردها دادن آموزش های کافی در مدارس و شهرهای و همفرکری با متخصصین این امر در مراکز علمی است. استفاده از توان مردم و جلوگیری از تخریب محیط زیست از سوی سرمایه داران تنها راهکار این مشکل است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه الکتریک البرز

کارخانه الکتریک البرز سازنده کلید و پریزهای برق ساختمان واقع در تهران خیابان رجایی اول اتوبان بهشت زهرا جنب مسجد مادر دارای سالن های تراشکاری، فالبسازی، مونتاژ، پرسکاری، تزریق مواد، آهنگری، نجاری،

تاسیسات، تعمیرات، در اوایل سال ۱۳۴۰ با مشارکت فرانسوی‌ها و یکی از نظمیان عالی رتبه احداث و راه اندازی شد.

در این کارخانه بیش از ۱۰۰۰ زن و ۵۰۰ مرد کارگر مشغول به کار شدند. تنها موادی که از بیرون از کشور وارد این کارخانه می‌شد مواد تزریقی کاچویی بود که از فرانسه وارد می‌شد. این کارخانه در خاورمیانه کم نظربر بود و بخشی از تولیداتش به فرانسه صادر می‌گردید. با شروع موج اعتراضات مردمی علیه رژیم شاه کارگران کارخانه نیز به این رود خروشان پیوستند. پس از انقلاب این کارخانه مصادره گردید و متاسفانه چند سال بعد بسیاری از کارگران مبارز این کارخانه که نقش به سزاگیری کارخانه هم به کارخانه داشتند اخراج و یا دستگیر شدند. و شورای کارگری کارگرانش رو به افزایش گذاشت و از مرز ۲۵۰۰ نفر گذشت. با تغییر سیاست‌های صنعتی، این کارخانه هم توسط مدیران بی‌لیاقت به سمت ورشکستگی رفت. محصولات این کارخانه که در بازار تهران نایاب بود و خواستاران بسیار داشت و از کلید و پریز های وارداتی خارجی به لحاظ کیفیت یک سرو گردن بالاتر بود و آخرین محصولش را هم با نام لگراند به بازار می‌فرستاد، در چند ماهه نخست امسال مهرو موم و تعطیل شد.

تعطیلی هر واحد تولیدی وابستگی اقتصاد کشور به بیرون از مرزها و شکنده‌گی هرچه بیشتر امنیت ملی و رسوخ عناصر وابسته به خارج و در نهایت نابودی اقتصاد و صنعت کشور را در پی دارد. بیکاری، فقر، فحشا، اعتیاد، کودکان خیابانی و نابودی اخلاق و فرهنگ جامعه از نتایج این تعطیلی هاست.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا:

خبر اول : حقوق کارکنان آستان قدس رضوی بیش از سه ماه است که عقب افتاده بود که با اعتراض این کارکنان یک ماه از این حقوق پرداخت شد.

خبر دوم : کارکنان بورس استان البرز بخصوص ۵۰ نفر از کارمندان قدیمی این سازمان که پولها و وام های گرفته شده خود را در بورس سرمایه گذاری کرده بودند ، با افت بورس ورشکسته شده و مدت ۴ ماه است که حقوق هایشان توقف کرده اند. حقوق توقف شده صرف تنها بهره بانکی هر ماهه این ورشکستگی را جبران می کند. ۲ نفر از این کارمندان تا کنون دست به خودکشی زده و فوت کرده اند.

خبر سوم : وام ۲۵ میلیونی بازنشتگان تامین اجتماعی که قولش را دولت به بازنشتگان داده بود با مراجعته بازنشتگان به شعب بانک رفاه ، مسؤولین بانک ها اظهار بی اطلاعی می کنند. بعضی از بانک های رفاه هم به بازنشتگان می گویند که ثبت نام این وام ها پایان یافته است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از قزوین :

شهر قزوین یکی از مراکز مهم صنعتی ایران بوده و بیشترین کارگر صنعتی را بعد از اصفهان و تهران و تبریز و اراک دارد. در طول سه ماهه گذشته حضور نمایندگان شرکت های خارجی در استان قزوین چشمگیر بوده است. گروههای سرمایه گذاری از کشورهای اتریش ، لهستان ، ایتالیا ، چین برای سرمایه گذاری در صنعت خودروسازی در این استان مشغول مذاکره هستند. با توجه به اقدامات اخیر وزارت کار در زمینه فراهم کردن کارگر ازان و لغو قوانین کار در مناطق کارگر خیز از جمله قزوین به نام مناطق ویژه تجاری ، نمی دانیم آمدن این گروههای سرمایه گذار را به فال نیک بگیریم یا بد ؟

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از حیف میل ها در ادارات:

سازمان محیط زیست: مقابله با پشه های سفید وظیفه شهرداری تهران است
۱۱ مهرماه

شهردار تهران : مقابله با پشه های سفید وظیفه شهرداری نیست.

شهردار تهران برای هر هیات مذهبی در ماه محرم ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان بن و امکانات پیش بینی کرده است. (روزنامه روزان ۱۲ مهر ماه)

به نظر شهروندان تهرانی وظیفه هم اکنون شهردار تهران چیست؟ ۱- مقابله با پشه های سفید ۲- توزیع پول بین هیات های مذهبی ۳- آماده کاندید شدن برای ریاست جمهوری و مجلس

پوهایی که باید خرج زیبا سازی و سر سبزی و زدودن آلودگی از محیط زیست و آبادانی و بازسازی شهر تهران بشود در جاهایی که ربطی به وظایف شهرداری ندارد هزینه می شود. به نظر شما چرا شهردار تهران از جیب مبارک و درآمد ماهانه چند صد میلیونیش خرج اعتقادت معنوی نمی کند و با دست کردن در جیب مردم تهران چنین عمل خودپسندانه ای را انجام می دهد؟ آیا قالیباف وظایف اداره او قاف را هم به عهده گرفته است؟

«عدم نظارت بر کار مدیران دولتی توسط بازرسان و سازمان های مردم نهاد باعث افزایش ریخت و پاش ها و استفاده های شخصی از اموال مردم گردیده است. با پیوستن به سندیکاهای کارگری و دیگر سازمان های مردم نهاد و گرفتن اداره این سازمان ها، از حقوق شهروندی و انسانی خود محافظت کرده و راه سواستفاده و فساد را مسدود کنیم»

تحریریه پیام سندیکا

سرمایه داری فاقد روحیه انسان دوستی است!

صدراء کودکی چهار ساله ای که پدرش راننده ی تاکسی و مادرش پرستار سالمدان است، با چانه ای پاره شده به بیمارستان اشرفی اصفهانی خمینی شهر برده شد. چانه ی بچه را بخیه زده اند ولی در پایان کار که مادر کودک گفته توانایی پرداخت هزینه ی صد و پنجاه هزار تومانی را ندارد، به دستور مسئول کادر پزشکی، بخیه های چانه ی بچه را کشیده اند و گفته اند به سلامت! این خبر را وزیر بهداشت تایید نموده است.

هشداری که سالهای است در رابطه با پولی شدن خدمات اجتماعی خاصه بهداشت داده میشود و عموما دولت با بی تفاوتی از کنار آن عبور می کند ، امروز ببینید به چه مرحله ای وارد شده است. تا همین اواخر فقراء را یا پذیرش نمی کردند یا اینکه تا زمان تهیه ی هزینه ی درمان، در بیمارستان گروگان نگاه می داشتند. حالا ولی صنعت پزشکی در مقام یک سرمایه دار بدن و روح زحمتکشان را به جرم بی پولی شکنجه میکند. اتفاقی را که در بیمارستان اشرفی اصفهانی خمینی شهر رخ داده است باید بمثابه ی یکی از توصیه های صندوق بین المللی پول به دولت ایران در نظر گرفت. جایی که پزشکان تشخیص داده اند، می توان از خیر صد هزار تومان پول و نیم ساعت وقتی که صرف شده گذشت، ولی لازم است تا با تنیبیه خانواده ای بی پول، پیامی فدرتمند را به سایر فرودستان صادر کنند. پیامی که از مسیر بدن کودکی چهار ساله به آینده ی طبقه ی کارگر ایران مخابره میشود

فاصله ی چند دقیقه ای میان زدن و گشودن این بخیه ها ، دقایقی نمایدین است از جراحی اقتصادی با الگوی صندوق بین المللی پول و جدیت متوجهانه اش را در تماس با تهیستان.

کارگران صنعت نساجی به سندیکا احتیاج دارند!

از ابتدای دهه هفتاد خورشیدی یعنی از زمانیکه سیاست تعديل اقتصادی در دولت رفسنجانی آغاز شد، بخش صنعت ایران بطور عام و صنعت نساجی کشور بطور خاص آسیب‌های فراوان دیده و به شدت تضعیف شده است.

رشد سراسم آور واردات و حمایت همه جانبه دولتهای مختلف از تجار و وارد کنندگان عمدۀ سبب فروپاشی تولیدکشاورزی پنبه در کشور و در نتیجه ورشکستگی صنایع از جمله صنعت نساجی گردیده است. صنعت نساجی در میهن ما قدمت طولانی دارد و از زمرة رشته‌های مهم صنعتی و محل تجمع بخشی از طبقه کارگر ایران و هسته کارگران صنعتی طی سال‌های پیش از انقلاب بود. در عین حال صنعت نساجی در شمار سودآورترین رشته‌های تولیدی بود. کارخانه‌های نساجی در مازندران، اصفهان و آذربایجان شرقی و تهران از فعال‌ترین مراکز کارگری قلمداد می‌شوند. اینک در سایه اجرای برنامه‌های اقتصادی مبتنی بر خصوصی سازی و اصلاح ساختار اقتصادی، صنعت نساجی بشدت تضعیف و در خطر نابودی کامل قرار دارد. هزاران کارگر نساجی در سراسر کشور بر اثر این سیاست‌ها بیکار شده و امنیت شغلی‌شان تهدید و پایمال شده است. مرداد ماه امسال بود که برخی فعالان کارگری رشته نساجی اعلام کردند؛ کاهش تعریفه واردات منسوجات تأثیر منفی و محربی بر کارخانه‌های نساجی باقی گذارده است.

ایسنا ۲۱ مرداد ماه در این باره نوشت: "طبق گفته تولید کنندگان صنعت نساجی، برخی فوانین تجارت وضع شده در سال‌های اخیر بر خلاف حفظ و تقویت تولید و استغلالزایی بوده و سرمایه‌گذاری مواد را با خطر مواجه کرده است..... کاهش تعریفه واردات منسوجات (منجر) به تعطیلی مطلق و یا کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصدی تولید کارخانجات در یک سال گذشته شده است". بعلاوه چندی بعد خبرگزاری ایسنا از قول مدیر کل دفتر صنایع نساجی و پوشак وزارت صنعت، معدن و تجارت گزارش داد: "صنعت نساجی کشور با مشکلات زیادی مواجه بوده... و دبیر انجمن نساجی استان اصفهان به تازگی اعلام کرده کارخانه‌های نساجی این استان - اصفهان - به عنوان یکی از

قطبهای صنعت نساجی کشور با ظرفیت ۴۰ تا ۵۰ درصد کار می کنند... تعداد شاغلان صنعت نساجی از ۴۰۰ هزار نفر به ۳۰۰ هزار نفر کاهش یافته و اگر به مشکلات صنعت نساجی پرداخته نشود امکان کاهش تعداد فعالان این صنعت به ۲۰۰ هزار نفر نیز وجود دارد."

کارگران صنایع نساجی بویژه در قطبهای این صنعت یعنی مازندران، اصفهان و آذربایجان شرقی نه تنها کار خود را بطور عدمه از دست داده و سال هاست به اجبار باز خرد، بازنیسته یا بیکار شده اند، بلکه همین تعداد باقی مانده اغلب با قراردادهای موقت و بدون برخورداری از حقوقی مانند بازنشستگی، بیمه درمانی، حق ایاب و ذهب، حق عالیمندی و نظایر آن محروم هستند. دستمزد کارگران زیر خط فقر و پایین تر از نرخ واقعی تورم است. علاوه بر این حق تشكیل صنفی مستقل یعنی برپایی سندیکارا هم ندارند. این شرایط حکم می کند فعالان کارگری با تمام توان خود در پی ایجاد سندیکاهای مستقل پایه ای در کارخانجات و احیای حقوق سندیکایی خود باشند. کارخانه های رشته نساجی از سنت های درخشان کارگری، طبقاتی و سندیکایی برخوردارند؛ لذا ضرور است برای دفاع از حقوق کارگران و جلوگیری از اخراج ها، دست در دست هم سندیکاهای مستقل را سازمان داد. تنها از این راه می توان مانع از اجحاف کارفرمایان و پایمال شدن امنیت شغلی کارگران شد.

زهرا پاییور کارگر بافنده

«سندیکاهای کارگری برای دستمزدی که با ۸ ساعت کار بتوان یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، می کوشند.»

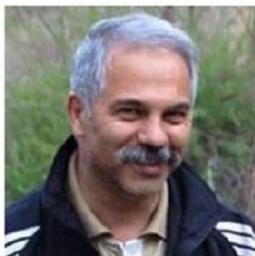
«سندیکاهای کارگری برای تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چندماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، می کوشند.»

«سندیکاهای کارگری برای آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان ، ورزش رایگان و همگانی، طبق قانون اساسی می کوشند.»

مصاحبه سایت اندیشه نو با مازیار گیلانی نژاد

“فعالیت‌های سندیکایی در ایران غیرقابل توقف است”!

“فعالیت سندیکاهای کارگری بر پایه اصل‌های ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی است و هیچ‌گونه مغایرتی با قانون ندارد.



اندیشه نو : به مناسبت دهمین سال انتشار اوّلین فراخوان علنی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک (به تاریخ ۵ آذرماه ۱۳۸۴)، و با توجه به اهمیت کار سندیکاهای کارگری در ایران، بر آن شدیم تا با نماینده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک درباره تاریخچه این سندیکا، فعالیت‌هایش در سال‌های گذشته و اکنون، و دشواری‌ها و موقوفیت‌های کار این سندیکا و به طور کلی سندیکاهای کارگری در ایران گفت و شنودی داشته باشیم. آنچه در ادامه می‌خوانید، بخشی از این مصاحبه است.

سندیکا چه خدماتی را در اختیار کارگران عضو می‌گذارد؟ مثلاً در مسائل مربوط به تأمین اجتماعی، بازنشستگی، حقوق‌های عقب‌افتاده یا مسائل دیگر، سندیکای فلزکار مکانیک چه امکانی برای کمک به کارگران دارد؟

امکانات ما برای پشتیبانی از کارگران بسیار محدود است، چون که ما نه دفتری داریم و نه امکانات مالی که بتوانیم دفتری را تهیه و در آن به کارگران خدمات ارائه دهیم (تازه اگر اجازه بدهند). به اضافه اینکه چون همه ما کارگریم و باید سر کار هر روزه حاضر باشیم، مشکل دوچندان می‌شود. به

هر روی، ما آموزش‌های لازم را به کارگران برای صیانت از حقوق خود می‌دهیم. بارها به عنوان نماینده کارگر با کارفرمایان گفتگو کرده و از حقوق کارگران دفاع کرده‌ایم. در اعتصاب‌هایی که روی می‌دهد به عنوان مشاور در کنار کارگران هستیم و هشدارهای لازم را برای پیروزی در اعتصاب به آنان می‌دهیم، ولی گاهی اوقات، مانند آخرین اعتصاب ایران خودرو، کارفرما با فریب دادن کارگرانِ روزمزد می‌تواند اعتصاب را به شکست بکشاند.

در مراجعی که کارگران به اختلاف می‌خورند، مانند هیات‌های حل اختلاف وزارت کار، ما به عنوان نماینده کارگر در جلسات حضور پیدا می‌کنیم و از حقوق کارگران دفاع می‌کنیم. یا اگر موضوع خیلی کشدار و فنی باشد، از وکلای شرافتمند و کارگردوست می‌خواهیم که وکالت کارگران را به عهده بگیرند.

بهخصوص به نمایندگان خود در کارخانه‌هایی که با مشکل روپرتو هستند تأکید می‌کنیم که لیست بیمه کارگران را هر ماه با فرستادن یک کارگر به شعبه بیمه مذکور پیگیر شوند که آیا کارفرما بیمه کارگران را می‌ریزد یا نه. همچنین، برای سرِ پا ماندن کارگاه‌های کوچک، تا جایی که امکان دارد با کارفرما تشریک مساعی داشته باشند تا کارخانه تعطیل نشود و آنان هم بیکار نشوند.

شاید حیاتی‌ترین خدمتی که سندیکا به کارگران می‌تواند ارائه دهد موضوع به کار گماردن کارگران بیکار است که در این مورد بسیار موفق عمل کرده‌ایم. کافی است کارگری بیکار شود تا به همه اعضای سندیکا گفته شود که چنانچه در کارخانه‌هایی که کار می‌کنند اگر شغلی پیدا شد به ما خبر دهند تا کارگر بیکار شده را مشغول به کار کنیم. همه کارگران ما موظّف هستند که هر امکان اشتغالی را به سندیکا خبر دهند. در حال حاضر، چنانچه کارگر فریزکار CNC کاری را می‌شناسید، کارخانه‌ای در شهرک صنعتی رُباط کریم احتیاج به این کارگر دارد؛ او را معزّفی کنید.

تعاونی مصرفِ ما با دادن کالای ارزان در یکی از جنوبی‌ترین منطقه‌های کارگری تهران انجام وظیفه می‌کند. تعاونی مسکنِ ما با گرفتن ۴۸ خانه برای کارگرانِ عضو در شهرک پرنده، و همچنین حل اختلافهای پیش آمده در پروژه‌های دیگر تعاونی مسکن را برای کارگران عضو پیگیری می‌کند. گروه کوهنوردی ما در سال گذشته با بازسازی جانپناه توچال در تهران در ارتفاع ۵۰۰۰ متری که ۵ سال پیش به دست توانای کارگران فلزکار مکانیک و بدون دریافت کمک‌های دولتی بنا شده بود، باز هم توانست با پول کارگران بازسازی کند و همچنان به این جانپناه سنگی افتخار کند. شما می‌توانید جشن پنجمین سال ساختن این جانپناه و شعرخوانی یکی از بازماندگان این جانپناه سنگی را در سایتِ دوزبانه ما ببینید. ششمین سال انتشار پیپری نشریه پیام سندیکا در سرِ هر ماه، و تربیت خبرنگار برای نشریه، از دیگر خدمات ماست. ده سال است که سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در امر تکثیر آموزش‌های کارگری می‌کوشد و با تهیه کتاب‌های مناسب و کارگری و رساندن آنها به سندیکاهای کارگری، در افزایش آگاهی کارگران آنچه توانسته انجام داده است. خرید و توزیع بیش از ۲ هزار کتاب قانون اساسی و قانون کار و پخش و آموزش آن به کارگران، تهیه و پخش هزاران کتاب کارگری و آموزشی و جزوهای حقوق شهروندی و منشور جهانی سندیکاهای کارگری فدراسیون جهانی، و تکثیر و توزیع بیش از ۱۰ عنوان فیلم‌های سینمایی در بین کارگران سندیکاهای کارگری، بخشی از کارهای فرهنگی ماست. این در حالی است که این همه کار با حق عضویت‌های کارگران فلزکار مکانیک با دستمزدهای ناچیز امکان‌پذیر شده است.

آیا فعالیت‌های این سندیکا مطابق قوانین فعلی کشور با مشکلی قانونی روبروست یا نه؟

فعالیت سندیکاهای کارگری بر پایه اصل‌های ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی است و هیچ‌گونه مغایرتی با قانون ندارد. ولی کسانی که از فعالیت‌های سندیکایی در

جهت آگاهی از حقوق ملت و بهبود شرایط زندگی کارگران هراس دارند و منافعشان به خطر می‌افتد، از فعالیت سندیکاهای کشور ممانعت به عمل می‌آورند و با زیر پا گذاشتن قانون اساسی، برخلاف قانون حرکت می‌کنند.

اکرچه این موضوع تازه‌ای نیست، ولی این اواخر شاهد ایجاد محدودیت‌هایی جدی و حتی زندانی کردن فعالان سندیکایی بوده‌ایم. آیا این محدودیت‌ها و بازداشت‌ها به دلایل امنیتی و خلاف‌های قانونی صورت می‌گیرد یا علت‌های دیگری دارد؟

همان‌طور که مطرح کردید، محدودیت و دستگیری کوشندگان کارگری در این اوخر کمی شدت گرفته است و موضوع تازه‌ای هم برای کوشندگان کارگری نیست. متأسفانه بعد از آمدن دولت آقای روحانی این برخوردها شدت بیشتری گرفته است. بهجای وزارت کار، این نیروهای امنیتی هستند که در کارخانه‌ها و اعتصاب‌های کارگری حاضر می‌شوند و کارگران را دستگیر می‌کنند. حبس‌هایی که در دولت‌های قبلی متوقف شده بود پا در حال تعليق قرار داشت، امسال همه را اجرایی کردند و اول از آموزگاران شروع کردند و حالا سراغ کارگران آمده‌اند. این به دلیل بیکاری روزافزون و شدت گرفتن مشکلات کارگران، بهخصوص مشکلات معیشتی است. بی‌تردید مشاوران دولت و خود آفای وزیرکار برای کنترل کردن اوضاع به دستگیری کوشندگان کارگری و صنفی مبادرت ورزیده‌اند، تا اعتراض‌ها را متوقف کنند. ما در سرپیام‌های نشريه‌مان بارها هشدار داده‌ایم که سازمان‌دهندگان تشکل‌های صنفی را می‌خواهند حذف کنند، حال چه با دستگیری آنان و چه با کم‌توجهی به نیازهای پزشکی و درمانی زندانیان، که شاهرخ زمانی نمونه‌ای از مورد آخری آن بود. خود من سال گذشته در پی بَرپایی جشن اول ماه مه دستگیر شدم و هرچه به مأموران امنیتی گفتم که دستگیری من اوضاع را متوجه خواهد کرد و بگذارید جشن انجام شود و کارگران یک روز خوش را در میان خانواده تجربه کنند، کسی گوشش بدھکار نبود. خُب فردا همه کارگران آمدند و با

اینکه با ممانعت مأموران امنیتی روبرو شدند، باز هم جشن اوّل ماه مه را برگزار کردند. فقط من شش روز بیخودی بازداشت شدم، چون که آنها فکر می‌کردند که این مازیار گیلانی نژاد می‌خواهد چه کند. می‌گفتم آقا بچه‌ها بادبادک بازی و دارت و طناب‌کشی و نقاشی می‌کنند و پیش خانواده‌هایشان هم در یک باغ روز خوشی را خواهند گذراند و بعد به خانه خواهند رفت. ولی کی باور می‌کرد؟

خُب شب‌هنگام من را دستگیر کردند و کامپیوترم و کارت شناسایی و پاسپورتم و صدها جلد کتاب را از خانه‌ام برداشتند. همسرم به شدت پریشان شد و بارها در هنگام تفتيش خانه‌ام از حال رفت. به نظر شما ساعت ۱۲ نیمه شب موقع دستگیری یک فعال کارگری است که علی فعالیت می‌کند و آدرس خانه و محل کار و فعالیت او را می‌دانند؟ مگر من فراری بودم؟ آیا قانون چنین دستوری داده است؟ هرچند مؤدب بودند، ولی ادب‌شان کار خلاف قانون‌شان را توجیه نمی‌کند. هیچیک از کتاب‌هایم را پس ندادند. به هر حال، وعده آفای روحانی در مورد قانون‌گرایی به شدت زیر سوال است، و در این پشت کردن به قانون، وزیر کار هم کمک‌شان می‌کند.....

علاقمندان می‌توانند با مراجعه به سایت دوزبانه سندیکافلزکار مکانیک این مصاحبه را بطور کامل مطالعه بکنند. آدرس sfelezkar.com و felezkar.com

«فعالیت سندیکاهای کارگری بر پایه اصل‌های ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی است و هیچ‌گونه مغایرتی با قانون ندارد. ولی کسانی که از فعالیت‌های سندیکایی در جهت آگاهی از حقوق ملت و بهبود شرایط زندگی کارگران هراس دارند و منافعشان به خطر می‌افتد، از فعالیت سندیکاهای کشور ممانعت به عمل می‌آورند و با زیر پا گذاشتن قانون اساسی، برخلاف قانون حرکت می‌کنند.»

آغاز حمله به دستاوردهای زحمتکشان

آیا با آزاد شدن قیمت ها، یعنی افزایش قیمت های مواد خوراکی و خدمات که امروز لبنتیات ۶ درصد گران شد ، مخالفید؟ اگر مخالفید و می گویید که حقوق شما نمی تواند در مسابقه دائمی افزایش قیمت ها در ایران پاسخگوی زندگی شما و خانواده تان باشد، بدانید که به گفته وزیر راه و شهرسازی دولت آقای روحانی ، سوسیالیست و مارکسیست هستید.

حالا چرا این وزیر برآشفته شده است؟ چون با گران شدن قیمت بلیت راه آهن مخالفت شده است. وزیر راه و شهرسازی فرموده اند: عدهای در کشور به دنبال ادامه دار بودن نگرش های سوسیالیستی و مارکسیستی هستند تا نرخ گذاری و کنترل قیمت ها را ادامه دهند و مانع توسعه شوند. ایشان همچنین فرموده اند: باید این پیشنهاد را به مجلس بدھیم تا بساط این تعالیم مارکسیستی و سوسیالیستی جمع شود.

با اینگونه فرمایشات به یاد فرمایشات وزیر اطلاعات می افتخیم که از وجود «رسوبات اندیشه های سوسیالیستی» ابراز تاسف کرده بودن!!

این اظهار وجودها را در کنار فرمایشات وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بگذارید که گفته اند: برای سال آینده باید مزدی را تعیین کنیم که به کارفرما فشار وارد نشود.

علاوه بر این تبصره ۳۳ لایحه برنامه ششم توسعه هم را فراموش نکنیم که پیشنهاد کرده است حداقل دستمزد ماهانه در ایران به دو سوم حداقل کنونی کاهش یابد.

از طرفی دیگر آقای جهانگیری معاون اول آقای روحانی پیرامون عیدی کارگران و کارمندان فرموده اند: این بچه بازی ها چیه؟ کارمندها و کارگران

ما دیگه ماشالله بزرگ شده اند، بچه که نیستند . عیدی بخواهند. این یک سنت غلط است که از زمان شاه باقی مانده است که باید برداشته شود.

به این موارد، افزایش برخوردهای امنیتی و قضایی علیه فعالان صنفی حقوق کارگران و معلمان را اضافه کنید.

این آغاز حمله بزرگ به سفره های کارگری ماست. در سندیکاهای کارگری این مدافع حقوق رنجبران متعدد شویم و به این بی عدالتی ها نقطه پایان بگذاریم. تصمیم با ماست و آینده فرزندانمان در گرو این تصمیم.



از هر کوک سیستانی و بلوچ یک نفر بیسواند است.

رییس نهضت سواناداموزی: بیش از ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار بیسواند در سنین ۱۰ تا ۲۹ سالگی در کشور وجود دارند.

«از این آقا باید پرسید در این ۳۵ سال چه می کردی رییس سواناداموزی!!»

در محله کارگری شهرک پرنده چه خبر

۱- دانش آموزان پرنده با پتو به کلاس درس می روند. ۹ مدرسه در سایت های مسکن مهر پرنده فاقد لوله کشی گاز بوده و دانش آموزان برای در امان ماندن از سرما با خود پتو به کلاس درس می برند.

۲- طی سه سال گذشته و با ورشکسته شدن کارخانه ها در شهرک صنعتی پرنده و افزایش بیکاری مردان خانواده های کارگری ، موضوع اعتیاد و فحشا هر روز شکل وحشتناکی را به خود می گیرد. بیکاری باعث شده تاکنون ۵ زن سرپرست خانوار پس از ترک شوهرانشان و رها کردن خانواده به امان خدا و یا طلاق پس از کوششی ناموفق در پیدا کردن کار ، مجبور شدند به باندهای قاچاق رو بیاورند. در طی این سه سال این زنان که با افسردگی شدید مواجه شده بودند مجبور به تن فروشی و اعتیاد شدند. آنچه پس از خودکشی آنان معلوم شد این موضوع بود که این زنان کارگر تحمل این زندگی و شرم از شرف کارگریشان از کارهای خلاف، دست به خودکشی زده اند.

آنچه در پارک های محله های پرنده حضور دارد ، نه نیروی انتظامی بلکه خرده فروش های مواد مخدر باندهای مافیایی است. این خرده فروش ها برای باندهای تبهکار و مواد مخدری از کارگران بیکار ، جوانان دختر و پسر این خانواده ها عضوگیری می کنند. دیدن ماشین های گران قیمت در کارخانه های کارگری و ساده و قسط عقب افتدۀ آیا تعجب انگیز و حسرت برانگیز نیست؟

فاحشه را خدا فاحشه نکرد.

آنان که در شهر نان تقسیم می کنند او را لَنگِ نانی گذاشتند،

تا هر زمان لَنگِ هم آغوشی ماندند، او را به نانی بخرند!!!

صادق هدایت

تشکیل طبقات اجتماعی به زبان ساده بخش سوم:

نظام فئودالی

پایه و اساس نظام فئودالی مالکیت فئودالها بر وسایل تولید و قبل از هر چیز مالکیت بر زمین است. کشاورزان وابسته به فئودالها بودند ولی دیگر خودشان بر عکس بر دگان کاملاً ملک طلق فئودالها نبودند (در بعضی از کشورها مانند روسیه تزاری فئودالها کشاورزان را هم مانند زمان بر دگی خرید و فروش میکردند) در جامعه فئودالی، کشاورزان به زمین بسته بودند و نمیتوانستند آنرا ترک کنند فئودالها حق داشتند از آنها بیکاری بگیرند و کشاورزان و پیشه وران نمیتوانستند اموال شخصی داشته باشند کشاورزان صاحب سهمی از زمین بودند که پس از انجام وظائفی که در برابر فئودالها داشتند. محصول آن متعلق به آنها بود و به این دلیل ابزارهای کاری را که در اختیار ارباب بود نه تنها خراب نمیکردند بلکه در حفظ و تکمیل و بهبود آنها و آبادکردن زمین با دادن کود و شخم و میکوشیدند. پیشه وران در این دوران پیشرفت قابل توجهی کردند ابزارهای کار کشاورزی و لوازم و اشیایی را که فئودالها و کسبه طالب آنها بودند از جمله ابزارهای جنگی (شمییر، خنجر و غیره) بهبود بخشیدند. پیشرفت کارهای دستی و مبادله آنها تاثیر شگرفی در رونق و آبادانی شهرکرد. در طول زمان شهرها بتدريج به مرآکز اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تبدیل شدند. در دوران فئودالی کشفیات و اختراعات مهمی شد که تاثیر شگرفی در سرنوشت آینده تاریخ بشر کرد. تبدیل آهن به فولاد ساختن عینک و دوربین و اختراق قطب نما، کاغذ، باروت، ساعت مکانیکی و بسیاری از کشفیات و اختراقات دیگر در این دوران انجام گرفت در کنار نیروی عضلات انسانی و حیوانات نیروی باد و آب (آسیابهای بادی، آبی و کشتیهای بادبانی) مورد استفاده قرار گرفت. تبدیل روابط تولیدی بر دگی به روابط فئودالی دگرگونیهای بزرگی در مجموعه زندگی اجتماعی به بار آورد. ساختمان طبقاتی جامعه دگرگون شد. فئودالها طبقه حاکم و حاکمان زمینی

شدن، کشاورزان وابسته به زمینی طبقه اساسی دیگر جامعه را تشکیل دادند. بین این دو طبقه رابطه آشنا ناپذیری برقرار شد منافع این دو طبقه در برابر هم و متضاد هم گردید گرچه شکل بهره کشی نسبت به دوران بردگی کمی بهتر شد اما همچنان با ستم و زورگویی همراه بود، کشاورز بخش بزرگی از وقت خود را صرف کار بی مzd برای فئودالها میکرد و بقیه را برای تأمین زندگی خود در اختیار داشت. سنتی در بیگاری برای ارباب خطر مجازات مالی و بدنی و حتا از دست دادن تمام اموال او را در بر داشت.

مبارزه طبقاتی نسبت به دوران بردگی اوج و دامنه بیشتری گرفت و این مبارزه در بسیاری از جوامع متشكل نیز سرایت کرد مثل جنبش‌های دهقانی در کشور فرانسه در قرن ۱۴ آلمان (قرن ۱۷) چین (قرن ۱۹) سیکهای هندوستان در قرون ۱۸-۱۷ پوکاچف در روسیه در قرن ۱۸ نمونه هایی از جنبش‌های دهقانی و توده های کشاورز بر علیه فئودالهاست.

در ایران نیز در سراسر تاریخ این مبارزات به چشم میخورد بویژه در ایران بعد از جنگ جهانی دوم این حرکتها گاهی خودبخودی و اکثر نیز توسط حزب توده ایران، فرقه دموکرات آذربایجان و فرقه دموکرات کردستان بوده و از درخشنان ترین جنبش‌های کشاورزان (رعيتها) علیه اربابان (فئودالها و ملاکها) که در حکومت مظاقه محمدرضا شاه و این حکومت نیز برای خنثا کردن این تحركات اعتراضی و مبارزه و برای حفظ منافع ملاکان به اصلاحات ارضی نیم بندی دست زده. اما این اصلاحات ارضی هدفش نه بهبود زندگی توده کشاورزان بی پا و کم پا بلکه گسترش سرمایه داری در ده و ایجاد پایگاهی از قشرهای مرffe از زمینداران کوچک برای رژیم بود. نتوانست پاسخگوی نیازمندیهای توده وسیع کشاورزان و ریشه کن کردن فئودالیسم گردد. از سویی هنوز بقایایی قابل توجه از دوران فئودالی در دهات ایران موجود است و از طرفی دیگر سرمایه داران داخلی و خارجی بشدت کشاورزان بی پا و کم پا که در پرتو اصلاحات ارضی تبدیل به مزدوران

کشاورزی شده اند، بهره کشی مینمایند. بدین ترتیب هنوز تضادهای گذشته ریشه کن نشده تضادهای تازه ای مادی بین کشاورزان مزدور و زمینداران بزرگ بوجود آمده که حل همه آنها در دستور کار انقلاب دموکراتیک قرار دارد. حکومت برای بهره کشی از کشاورزان و سرکوب جنبش آنها نیروی نظامی را به سود فئودالها بکار میرد و حتا اجازه میدهد که فئودالها خود تسليح شده تا قادر به سرکوب جنبش‌های کشاورزان باشد. هنگامی که ماشین بخار اختراع شد و کار از خانه به کارخانه انتقال پیدا کرد پایه و بنیان جامعه سرمایه داری بنا نهاده شده است.

نویسنده: کیا سرایی

«با مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی و تشکیل سندیکاهایی مستقل با ماهیتِ طبقاتی و پیوستن به سندیکاهای موجود، برنامه های ضد کارگری دولت را می‌توان ناکام و برنامه‌اش برای نابودی منابع ملیمان را عقیم گذاشت. سازماندهی جنبش پراکنده اعتراضی رحمتکشان از راه تلفیق مبارزه صنفی با مبارزه سیاسی و اجتماعی ضروری است، و از رهگذر این مبارزه می‌توان قدرت مانور جنبش کارگری را ارتقاء داد. جنبش کارگری میهن ما، در مجموعه جنبش مردمی در مسیر مبارزه با برنامه های ضد کارگری، می‌تواند و باید نقش شایسته‌اش را بازیابد.»

هزینه عظیم مالی دولت "داعش" چگونه تامین میشود!

اکنون دیگر بر کمتر کسی پوشیده است که "داعش" با غارت نفت سوریه و عراق و انتقال آن از طریق بنادر ترکیه به نفتکش های شرکت های بین المللی نفتی هزینه ارتش ۱۲۰ هزار نفره خود را تامین می کند. حداقل ۷ هزار نیروی سازمان یافته در صفوف داعش از کشورهای منطقه فرقاند، کارآزموده ترین نظامی های ارتش صدام حسین و نظامیانی از کشورهای چچن و داغستان و کشورهای فرقان با دریافت حقوق های گزارف در صفوف داعش خدمت می کنند.

متخصصین اطلاعاتی و کارشناسان معتقدند که داعش در حدود ۳ میلیون دلار هزینه روزانه دارد. این رقم جدا از هزینه خرید و تامین سلاح و امور اطلاعاتی است. آنها به خانواده کسانی که در صفوف آنها می جنگند و کشته می شوند حقوق می دهند.

داعش بنا بر آمار سرویس اطلاعاتی ایالات متحده با بدست گرفتن کنترل شمال عراق ۱۵ درصد از تولید ناخالص ملی کشور عراق را در اختیار دارد که ۳۵ میلیارد دلار می شود. حمل و نقل نفت سوریه و عراق که روزانه ۴ هزار بشکه نفت است و فروش آن زیر ۵۰ درصد قیمت جهانی درآمدی ۱/۵ میلیون دلار در روز برای داعش به همراه می آورد. این نفت از طریق ترکیه به بندر جیحان ترکیه رسیده و از آنجا به بازار های بین المللی عرضه می شود. با توجه به گفته سفیر اتحادیه اروپا در عراق (جانا هی پاشیکوا) حتی کشورهای عضو اتحادیه اروپا این نفت ارزان و غارت شده که تأمین کننده مالی داعش است را می خرد.

علاوه بر نفت، پس از تصرف بخشی از خاک عراق و غارت دهها بانک و مؤسسه مالی در دهها شهر یک میلیارد دلار در اختیار داعش قرار گرفت. منابع مالی دیگر داعش اهداء سخاوتمندانه دلارهای نفتی برخی

کشورهای خلیج فارس است که از این طریق حقوق جهادگر ایان (ارتش فتح) تامین می‌شود و همچنین ارسال سلاح‌های مدرن و کمک مالی از طرف عربستان سعودی و قطر.

تحمیل مالیات به مردمی که داعش سرزمین آنها را تصرف کرده، قاچاق آثار باستانی، آدم ربایی و باج گیری را نیز به منابع تامین هزینه‌های داعش اضافه باید کرد.

داعش از خط لوله انتقال نفت به ترکیه و حمل و نقل‌های تجاری در ترکیه سود می‌برد. هر نوع تجاری از منطقه وسیعی که داعش در اختیار دارد به خارج از این منطقه و یا ورود به این منطقه مشمول مالیات می‌شود که از این طریق نیز در آمدی معادل یک میلیارد دلار بدست می‌آید. اخاذی از غیر مسلمانان- از جمله مسیحیان که باید مسلمان شوند- و کاهش حقوق کارمندان دولت به ۵۰ درصد را نیز به سیستم درآمد زانی داعش باید اضافه کرد.

معما اینست که این پول‌های هنگفت چگونه دست به دست و حمل و نقل می‌شود؟ بانک‌ها و موسسات نظامی و تجاری کشورهای آسیایی، اروپایی و آمریکایی و موسسات خیریه در سراسر جهان که به نام مسلمانان نام‌گذاری شده در جایگاه این پولها و خرید‌های الکترونیکی کمک حال داعش هستند. خرید ۲۰ هزار دستگاه توبیوتای ژاپنی توسط داعش از جمله این موارد است.

«در کشوری که فضای سیاسی بسته ، گفتگو یک طرفه از طرف حاکمان اعمال شود، اقتصاد تنها بخش کوچکی از جامعه را ثروتمند کند و بخش بزرگی را در حسرت کار، آموزش، بهداشت، زندگی انسانی و برخورداری از حقوق اولیه نگاه دارد، افراطی گرایی رشد می‌کند. این افراطی گرایی امکان دارد مذهبی، قومی، نژادی باشد»

افزایش مالیات شد تمدن امشکا، کارگران نیست!



اسدالله صادقی دبیر سابق سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

کارگران واگن پارس در روزهای ۸ و ۹ آذر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و حقوق معوقه و چند مطالبه‌ی صنفی دیگر، مبادرت به تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان اداره‌ی کل امور مالیاتی استان مرکزی نمودند. قبل از این تجمع نیز کارگران این واحد بزرگ صنعتی چند بار دیگر در اعتراض به ناکارایی و سوءرفتار مدیریت و بی‌توجهی مدیریت به مطالبات‌شان، به ناچار متولّ به اعتصاب و تجمع شدند. مدیریت کارخانه که سهامدار عمدی آن قرارگاه خاتم‌الاوصیاء، است، نیز در این میان سعی نموده با توصل به اخراج و تهدید و پادگانی کردن فضای کارخانه، کارگران را مرعوب و مطالبات حق طلبانه‌شان را بی‌پاسخ بگذارد.

در پی اعتصاب ۱۰ روزه‌ی قبلی کارگران واگن‌سازی که از ۵ الی ۱۵ دی‌ماه سال گذشته به طول کشید، مدیریت نظامی امنیتی کارخانه، در حالی که یکی از انگیزه‌های آن اعتصاب اخراج یکی از فعالین صنفی کارخانه بود، چهار نفر دیگر از کارگران رسمی فعل در اعتصاب را به دلیل شرکت‌شان در اعتصاب اخراج کرد.

اما به رغم همه‌ی این تهدیدات و بگیر و بیندها، کارگران مروعوب نشدند و بار دیگر در ۵ آبان امسال با تشکیل تجمع اعتراضی دیگری خواهان پرداخت حقوق‌های معوقه و تغییر مدیریت کارخانه شدند. اما چون بعد از آن تجمع نیز مدیریت کارخانه و مسؤولین محلی به خواسته‌های کارگران بر خلاف قولی که داده بودند عمل نکردند، کارگران به رغم وقوف به پیامدهای اقدامات اعتراضی، در روزهای هشتم و نهم آذر در مقابل ساختمان اداره کل امور مالیاتی استان مرکزی تجمع نمودند.

یکی از انگیزه‌های تجمعات اعتراضی این بار کارگران واگن سازی اراک، ظاهرًا افزایش مالیات بر این واحد بزرگ صنعتی است و بهمین خاطر آن‌ها با وجود این که طرف حساب‌شان اداره‌ی مالیات نیست، اما عاملًا توسط مدیریت مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند و به این سمت سوق داده شده‌اند تا کاسه کوزه‌ی نگرفتن حقوق‌شان را بر سر اداره‌ی مالیات بشکند. بنا به گفته‌ی کارگران، اداره‌ی مالیات استان مرکزی، میزان مالیات این کارخانه را امسال ۱۰ برابر نموده و به خاطر عدم پرداخت مالیات توسط سهامداران کارخانه، ظاهرًا حساب کارخانه به درخواست اداره‌ی مالیات مسدود و همین موضوع بهانه‌ی عدم پرداخت دستمزد و حقوق کارگران شده است.

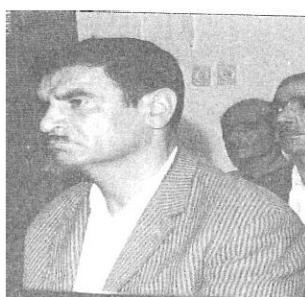
از قرار معلوم، مالک عمدی این واحد تولیدی که معلوم نیست چگونه و به چه علت یکی از واحدهای کلان صنعتی را به چنگ آورده، پیش از این مالیات بسیار ناچیزی به دولت پرداخت می‌کرده و افزایش مالیات آن توسط دولت که البته نمی‌تواند بی‌ربط با میزان درآمدهای کارخانه باشد، با مخالفت مالکان کارخانه روبرو شده و ظاهرًا اداره‌ی مالیات نیز دستور مسدود کردن حساب بانکی کارخانه را داده است. بدون شک، خود اداره‌ی مالیات استان مرکزی به خاطر قصوری که طی سال‌های متعددی در نگرفتن مالیات واقعی از مالکان واگن سازی اراک و عادت دادن آن‌ها به ندادن مالیات انجام داده، کم بی‌تفصیر نیست.

پرسیدنی است که اگر هزینه‌ی تولید بالاست و بایستی کاهش داده شوند، چرا دولت سهم مالیات واحدهای تولیدی را به ناگهان این‌همه بالا می‌برد و در همان حال راههای افزایش واقعی درآمد کارگران را مسدود می‌کند؟ آیا این به معنای آن نیست که ادعای کارفرمایان و دولت مبنی بر سودآور نبودن تولید، بهانه‌ای بیش برای افزایش هرچه بیشتر سود سرمایه‌داران نیست؟ آیا اگر کارخانه‌ی واگنسازی درآمد مکفى نداشت، دولت می‌توانست سهم مالیات آن را یک باره ۱۰ برابر کند؟ بهر روی، دولت در واقع مجبور است کاهش درآمدهای نفتی را با افزایش مالیات‌ها جبران کند، و این موضوعی نیست که کارفرمایان بتوانند آن را هضم کنند.

با افزایش مالیات این‌گونه مؤسسات، صاحبان آن‌ها کوشش خواهند کرد با زدن باز هم بیشتر از دستمزد ناچیز کارگران، افزایش مالیات‌هایشان را جبران کنند. به نظر می‌رسد همین مسئله سبب تشدید اعتراضات کارگری در ماههای منتهی به پایان سال ۹۴ بهخصوص بر سر افزایش دستمزد شود و کارفرمایان نیز کوشش کنند جهت مبارزات کارگران برای افزایش دستمزد را به سوی اعتراض به افزایش مالیات منحرف کنند.

اخراج سازمان‌گران با تجربه و آگاه کارگری ، بی‌ربط با این گونه کوشش‌ها نیست. و هم از این روی است که تلاش برای جلوگیری از اخراج فعالین مبارز و میزبانی برای سمت و سوادن درست به اعتراضات و حفظ تماس و مشورت با فعالین اخراجی در مبارزات اجتنابناپذیر پیش روی اهمیت دو چندان پیدا می‌کند. با وجود همه‌ی دشواری‌ها اما، روزهای دشوارتری در پیش است. افزایش مالیات ثروتمندان مشکل کارگران نیست. مشکل کارگران، دستمزد ناچیز و از میان برداشتن حقوق سندیکایی و شهروندی‌شان است.

یادی از کوشنده تا به آخر استوار جعفر نجاریان



جهفر نجاریان از جمله کوشندگان گمنام کارگری است که نشان داد که اگر راهنمای و محیط سالمی برای رشد انسانها فراهم شود ، انسانها می توانند به کارگری آگاه و کوشنده و تا پای جان استوار در راه آرمان خود تبدیل شوند و تا آخر عمر دست از تلاش برای بهروزی طبقه خود برندارند.

جهفر نجاریان در میدان شوش تهران متولد شد و رشد یافت. او درس نخواند و مانند همسالان خود که هیکلی تنومند داشتند بزن بهادری و چاقو کشی را انتخاب کرد. جعفر آقا بدلیل بیسوادی هیچگاه روزنامه ها را نگاه هم نمی کرد. همه حواسش به محیطی بود که در آن قرار گرفته و بزرگ شده بود. همه دنیاپیش همان محیط اطرافش یعنی میدان شوش بود. محیط فاسد شاهنشاهی برای این گونه جوانها نابود کننده بود. در آن حال و هوای دهه ۳۰ جعفر آقا هم تحت تاثیر محیط ناسازگار آن زمان می رفت تاغرق در آلودگی و فساد زمان خودش بشود.

برای جوانی مثل او که صفت و عنوان گردن کلفتی و بزن بهادری را یدک می کشید بیکاری چیز خوبی نبود و به موجب آنچه محیط فاسد در اختیارش می گذاشت برای شروع راه اندازی یک محفل شیره کشی ، که آن زمان به وفور رواج داشت، گزینه سهل و آسان بود که راحت افدام به تاسیس آن کرد.

روزی قبل از اتفاق ۲۸ مرداد سال ۳۲ در زمانی که شیره ای ها در محفل او مشغول شیره کشیدن بودند یکی از دوستانش که شخص روشنفکر و آگاهی بود به دیدنش آمد و وقتی محل را به این شکل و با حضور چند شیره ای مشغول دید سیلی محاکمی به جعفرآقا زد و با فریاد گفت: «مرد حسابی به جای اینکه تلاش کنی کاسبی آبرومندی دست و پا کنی و بتوانی جوانان را به راه درست مثلا ورزش هدایت کنی ، آمدی شیرکش خونه تاسیس کردی؟» و بلاfacله شیره ای های حاضر در محل را با کنک از شیره کش خانه بیرون کرد و لوازم شیره کشی را هم شکست. این دوست جعفر آقا چون خودش کارگاه ریخته گری داشت به او گفت که از فردا برای کار به کارگاه ریخته گری برود و مشغول کار شود. او سالها بعد می گفت «اگر آن دوست به داد من نمی رسید من هم مانند بسیاری دیگر در کنار شیره ای ها مرده بودم»

جعفرنجاریان با شروع کار در این کارگاه ریخته گری ضمن آموزش صنعت ریخته گری با راهنمایی و هدایت این دوست خوب کم کم با مسائل کارگری و سیاسی آشنا شد. تماس با فعالان کارگری و سندیکایی در روزهای بعد از کودتا و با کسب دانش کارگری و سیاسی او نیز دست به کوشش های کارگری زد. در این بین با مبارزین کارگری ضد رژیم شاه همراه شد و همزمان دامنه فعالیتش بقدری وسیع شد که طی چند سال در اثر فعالیت مداوم در ردیف فعالان یک گروه سیاسی ضد رژیم شاه قرار گرفت. او در اواسط دهه ۴۰ همراه با چند نفر دیگر از فعالین سیاسی دستگیر و شکنجه و پس از محکمه دو نفر از آنان به جلس ابد محکوم شدند که یکی در زیر شکنجه کشته و دیگری تا زمان انقلاب بهمن در زندان ماند. او پس از سپری کردن زندانش باز هم در راه آرمان های کارگریش کوشید و برای بهروزی کارگران دست از تلاش برنداشت.

نجاریان پس از انقلاب که در برآمدنش کوشیده بود باز هم در راه کسب حقوق زحمتکشان میهنش تلاشی بی نظیر کرد.. وی در سال ۱۳۸۶ فوت کرد. پاکش گرامی باد.

نقش زنان و ستمی که بر آنان روا داشته می شود.

امروزه نقش قاطع و تعیین کننده زنان در پیشبرد امر صلح و مبارزه برای جلوگیری از جنگ، حفظ محیط زیست و رفع هر نوع خشونت، گواه نیرومندی در پیکار قهرمانانه زنان جهان است.

شرکت گستردۀ زنان در مبارزات رهایی بخش منطقه، از پیکار بر ضد واپس گرایی مذهبی تا شرکت در خیزش های مردمی کشورهای عربی و همچنین شرکت در پیکار مسلحانه بر ضد جنایات هولناک گروه هایی همچون "داعش"، در کنار سایر گردان های اجتماعی برای رهایی از زنجیرهای استبداد، ارتقای و دخالت مخرب خارجی، گواه بارز این مدعاست.

در ایران که نیاز مالی و وضعیت معیشتی خانواده ها یکی از عوامل ورود زنان به بازار کار است، زنان قشر محروم و متوسط جامعه از بخش رسمی کار به بخش غیر رسمی و با قراردادهای موقت، با دستمزدی بمراتب کمتر سوق داده می شوند که هیچ گونه کنترلی بر آن نبوده و آنان به طور اجبار تن به تحمل این شرایط ناعادلانه می دهند. به علاوه اجرای سیاست های فاجعه بار اقتصاد نولیبرالی، به افزایش شمار اخراج ها و لشگر عظیم بیکاران کشور ما منجر شده که طبق معمول زنان، به ویژه زنان طبقه ها و لایه های محروم، از اولین قربانیان آن هستند.

وادر کردن زنان به خانه نشینی و تصویب قوانین ، مصوبه ها و طرح های زن ستیزانه، از قبیل طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده (وظیفه فرزند آوری زنان)، طرح صیانت از عفاف و کفاف (داشتن ساعات کار محدود و کسر حقوق زنان در صورت عدم رعایت حجاب و پرهیز از اختلاط با مردان در محل کار)، افزایش مرخصی زایمان بدون تضمین بازگشت به کار(طبق گزارش روزنامه های رسمی، در پک دوره ۱۸ ماهه از ۱۴۵ هزار زنی که آن را استفاده کردند، ۴۷ هزار نفر بعد از بازگشت به کار اخراج شدند)،

طرح کاهش ساعات کاری زنان و قانونی کردن منع استخدام زنان مجرد در اداره ها و سلب بسیاری از دستاوردهای مبارزاتی زنان مانند حق طلاق ، حق حضانت بر فرزند، حق استفاده آزادانه از پوشش و حتا حق دیدن بازی های ورزشی در استادیوم ها و میدان های ورزشی (عدم استفاده از فضاهای عمومی) از زنان ایران، به مثابه خشونتی است دولتی که در جهت به سلطه کشاندن زنان به مثابه ملک شخصی و دارایی مرد و وابسته به او، عمل می کند. زن بدون اجازه همسر حق کار، حق تحصیل، حق تعیین مسکن، حق اخذ پاسپورت و خروج از کشور را ندارد(به عنوان مثال در هفته های اخیر نیلوفر اردلان، کاپیتان تیم فوتسال زنان که قهرمان آسیا شد، به دنبال عدم اجازه شوهر امکان خروج از کشور و حضور در بازی قهرمانی آسیا را نیافت)

اعطای بالاترین نشان تحقیقات کاخ سفید به مونا جراحی



یک استاد جوان ایرانی دانشگاه میشیگان موفق به دریافت بالاترین نشان تحقیقاتی دانشمندان و مهندسان جوان از رئیس جمهور آمریکا شد. خانم پروفسور مونا جراحی در مراسمی که در کاخ سفید برگزار شد، نشان «استعداد برتر حرفه ای جوان سال» را از رئیس جمهوری آمریکا باراک اوباما به خاطر تحقیقات و انجام پژوهه های خلاق در گسترش و صنعتی کردن فناوری «تراهرنز» دریافت کرد. فناوری «تراهرنز» در صنایع پزشکی، دارویی و ماشین آلات کاربرد دارد. مونا جراحی متولد ژانویه ۱۹۷۹ است که در سن ۲۱ سالگی موفق به کسب مهندسی الکترونیک از دانشگاه صنعتی شریف شدند که فوق لیسانس خود را نیز از دانشگاه صنعتی شریف

گرفتن و در ادامه موفق به اخذ دکترای خود را در سال ۲۰۰۷ از دانشگاه استنفورد شدند. ایشان در حال حاضر استاد دانشگاه ایالتی کالیفرنیا UCLA هستند. پروفسور جراحی تنها ایرانی تبار حاضر در بین ۱۰۲ استعداد برتر سال بود که مقتصر به گرفتن این نشان شد. علت اعطای این جایزه به این استاد جوان، تحقیقات و پژوهه‌های خلاقانه وی در گسترش دانش پلاسمونیک در ساخت وسایل نانوالکترونیک و نانوفوتونیک و صنعتی کردن فناوری «تراهرتز» است که در صنایع پزشکی، دارویی و ماشین آلات کاربرد دارد. پروفسور جراحی می‌گوید: «من فکر می‌کنم راه موفقیت هر کسی رو خودش می‌توانه بهتر از هر کس دیگه پیدا کنه. همه آدم‌ها به توانایی‌های خودشون واقف هستند و برای موفق شدن خیلی لازمه که آدم اشتیاق داشته باشه و ایمان داشته باشه به جهتی که میره. چیزی که می‌توانم بگم اینست که نباید از ریسک کردن ترسید و از شکست هم نباید ترسید و آرزوها رو هم باید بزرگ انتخاب کرد. هر چه آرزوها بزرگتر انتخاب بشه به نظر من آدم به جاهای بالاتر میرسه».

**زنان ایرانی با پارکور، ورزشی که نیاز به آمادگی بدنی
خیلی بالا دارد آسمان تهران را فتح می‌کند و تفکیک
جنسیتی نوشته و نانوشته را خط می‌زنند**



ورزش بانوان ایرانی همواره کنجکاوی مردم جهان را به دنبال داشته به طوری که رسانه های مختلف ایرانی و خارجی تلاش کرده اند با گزارش های گوناگون به این کنجکاوی پاسخ بدهند. پارکور زنان ایران نشان از آن دارد که زنان ایرانی می توانند با مانع و روسربازی از دیواری به دیوار دیگر بپرند و پس از چرخ کوتاهی در هوا روی پا فرود آیند و تعادل خود را حفظ کنند. برخلاف بسیاری ورزش های دیگر برای تمرین پارکور نیاز به زمین یا ورزشگاه خاص و ویژه ای نیست. سالن های ورزشی، پارک ها، زمین های بازی و سازه های نیمه ساخت رها شده برای تمرین این ورزش کافی است.

زنان ایرانی اجازه ندادند تفکیک جنسیتی نوشته و نانوشتہ در این کشور آنان را از این ورزش خط بزنند. آنان با همان حجاب و پوشش مرسوم ایران در خیابان ها و زمین ها، ورزش پارکور را تمرین می کنند.

مریم راد سرپرست بانوان هیئت پارکور ایران است. او که ۲۸ سال دارد، فوق لیسانس تربیت بدنی گرایش فیزیولوژی و تغذیه ورزشی خود را از دانشگاه آزاد دریافت کرد. راد با کمربند مشکی دان ۴ تکواندو سرپرستی تراسور(پارکورکار) را به عهده دارد. تراسور های او دختران نوجوان و زنان جوانی هستند که این ورزش که ذات نظامی دارد را در باشگاه یا سطح شهر تهران تمرین می کنند.

پارکور در اواخر دهه ۸۰ در فرانسه از سوی داوید بل به شکل مدون امروزی درآمد. او ایده اصلی این ورزش را از پدرش ریموند بل گرفت. ریموند بل که سرباز فرانسوی جنگ ویتنام بود ترکیب دو و پرش را روشی کارا برای حفظ جان خود و همزمانش می دید. این ورزش هیجان را به بسیار فیلم های هالیوودی مثل منطقه بی ۱۳ و یاماکاسی آورد. این هیجان راه خود را به خیابان های ایران باز کرد و میان دختران و پسران ایرانی محبوبیت ویژه پیدا کرد.

مریم راد در این باره گفت: «ما مشکلات زیادی داریم اما همه تلاشمان را می‌کنیم که این موانع را از سر راه برداریم. چون ما عاشق پارکور هستیم»

لباس‌های گشاد برای چنین ورزش‌های پرتحرکی مناسب است اما مرتب کردن روسربند و دستی به مو کشیدن پس از هر پرش سخت به نظر می‌رسد. اما بانوان ایرانی که به آن عادت دارند به نوعی روسربند را آن قدر که خارجی‌ها می‌بینند و حس می‌کنند، حس نمی‌کنند.

بانوان تراسور همان طور که موقفيت را فقط از آن مردان تراسور نمی‌بینند، خطر افتادن و زخمی شدن را فقط مخصوص مردان تراسور نمی‌بینند و اجازه نمی‌دهند بهانه زخمی شدن سد راهشان شود. راد می‌گوید: «بعضی وقت‌ها مردم به ما خرد می‌گیرند که این ورزش برای دخترها نیست. می‌گویند ما باید در خانه بشینیم و بافتی ببافیم. نمی‌توانند تصور کنند دخترها مانند پسرها ورزش کنند.» وی با یادآوری مشکلاتی که دارند می‌گوید معمولاً یکی از اعضای مرد باشگاه را با خود همراه می‌کنند تا کسی مزاحمشان نشود.

اما همیشه هم پرمشکل نیستند. راد از ابراز علاقه مردمی می‌گوید که می‌خواهند با آن‌ها تمرين کنند. او حتا به یاد می‌آورد: «پیش آمده که پلیس جلوی مرا گرفت اما برایشان توضیح دادیم که پارکور فقط یک ورزش است، ابراز علاقه کردن و جویا شدن که چطور می‌توانند به باشگاهی بپیوندند و پارکور تمرين کنند.»

«اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی همه احادیث ایران، چه زن و چه مرد را در برابر قانون مساوی می‌داند. پس نباید به دلایل غیر قانونی از فعالیت‌های زنان جلوگیری شود»

این هلا است !

دختر حماسه ساز کوبانی که وقتی درون سنگرش خود را در محاصره نیروهای داعش دید با آخرین گلوله اش خود را کشت بر شادت، دخترکی است که با آخرین گلوله‌ی باقی‌مانده، جان خود را می‌گیرد و به تسلیم و تحقیر و تجاوز، رضایت نمی‌دهد. دلاور دختری است که وقتی برای گریه و زاری ندارد. آری ، کوبانی پر است از دخترانی که زن را معنایی دیگر کرده اند، دخترانی که موهاشان پیداست و حجاب ندارند. اما پر است از سرود نجابت...

دختران کوبانی

هیچ‌کدامشان لباس مارک دار ندارند،
اما تا زنده اند هر شب موهاشان را شانه می‌کنند،
و هر صبح می‌بافند.

دستان ظریف‌شان سنگینی کلاشینکف را تاب می‌آورد،
با اینهمه،
دختران کوبانی آنقدر زن هستند
که همه مردان دنیا عاشق‌شان باشند.

...

کوبانی دارد به همه‌ی ما درس می‌دهد، تا بدانیم هیچ دختری نصف یک مرد نیست، هیچ‌بی حجابی فاحشه نیست، و هستند هنوز دخترانی که نشان را به کنیزی مردان هوسران نمی‌سپارند.





از ثروت بیکران ملی، تو را عینکی نشاید!